نسیم جنوب
nasimjonoub.com
سال بیست و دوم- شماره ۸۸۹ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



استاندار بوشهر:

مدیران استان بوشهر با جدیت در پی رفع مشکلات مردم باشند

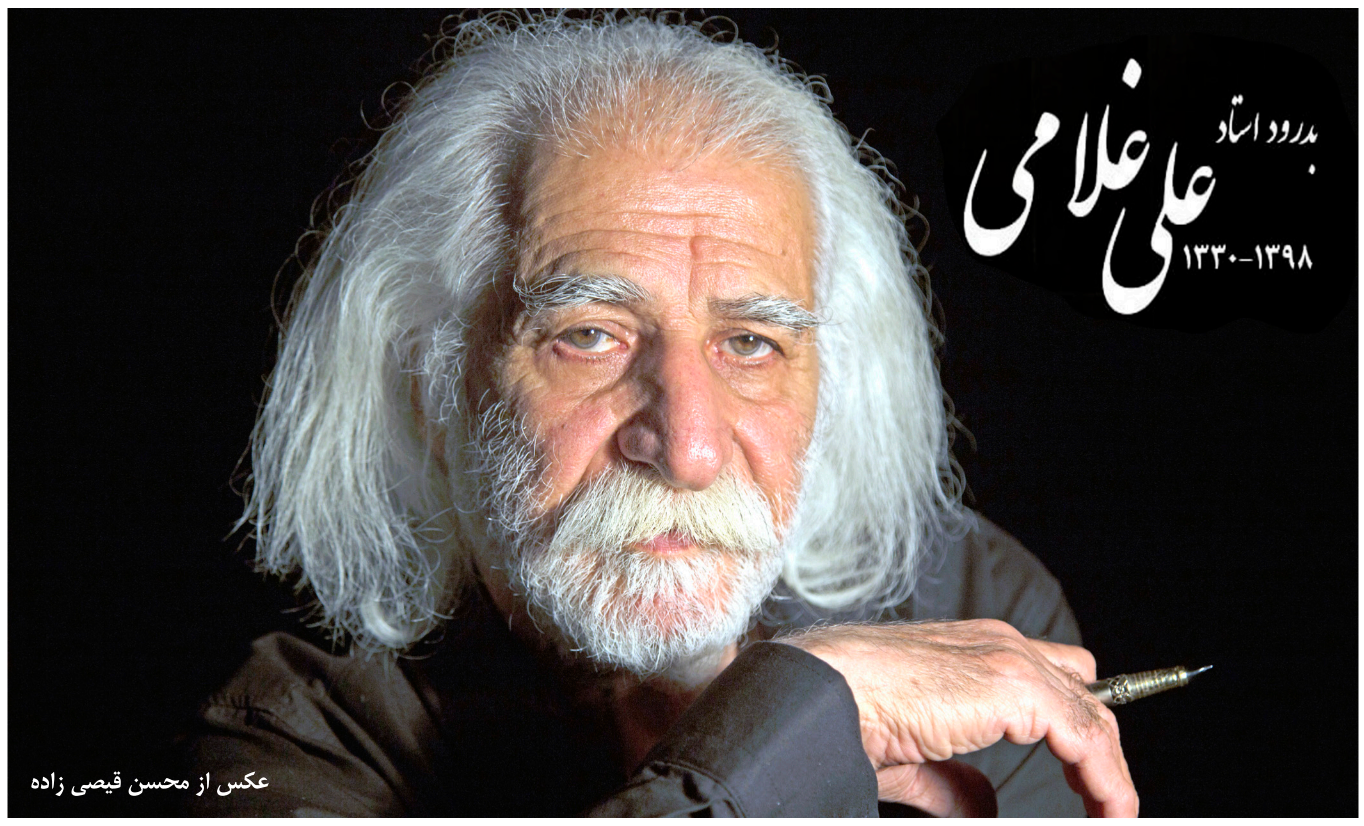
صفحه ۲

بررسی کارشناسی مهمترین پروژهٔ شهرداری شهر بوشهر:

در روگذر جدید بوشهر، باید انطباق خواسته‌ها با اصول علمی شهرسازی ملاک باشد

در خصوص احداث روگذر میدان برج، طرح جامع چنین چیزی را ندیده و طبق قانون این پل باید خراب شود و تمام هزینه آن را هم از مسئولان سابق بوشهرگرفته شود

صفحه ۵



عکس از محسن قیصی زاده



شجریان می ماند، تا ادب و فرهنگ و هنر جاودانه است

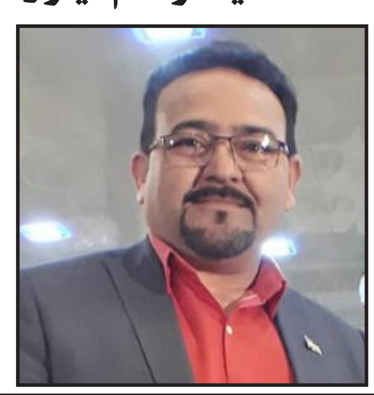
دکتر سعید معدنی

صفحه ۳

۴

مهرداد معماری:

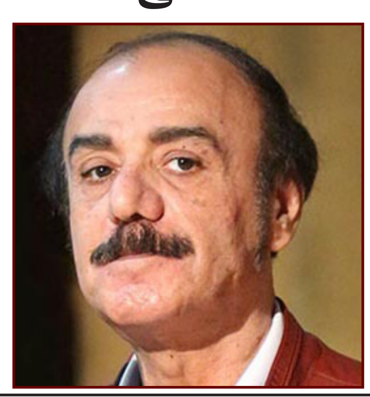
چقدر در این راه مشقت دید و دم نیاورد



۴

احمد آرام:

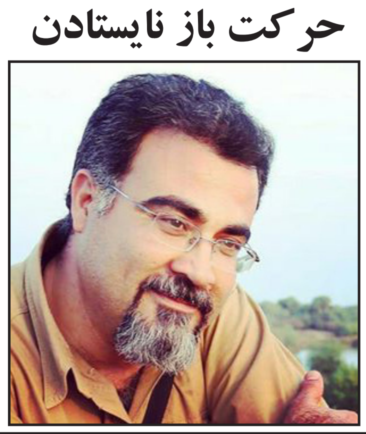
هرگز در ساحت هنر خسته نمی شد



۴

رضا صافی:

مصداق یک لحظه از حرکت باز نایستادن



آگهی فراخوان مناقصه عمومی (با ارزیابی کیفی)

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز فجر جم
شماره مجوز: ۹۰۰، ۱۳۹۸

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم

۲- موضوع مناقصه: وفق جدول ذیل به صورت فراخوان به ارزیابی کیفی

۳- میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق و به صورت نقدی یا ضمانتنامه بانکی می باشد.

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ (به ریال)	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: نوع تضمین	نوع مناقصه از لحاظ: - فراخوان - مراحل بررسی	حدود تقریبی برآورد اولیه (به ریال)	حداقل رتبه/ گواهی
۱	۹۸/۰۴	حراست پالایشگاه و اماکن تابعه	۳،۸۶۷، ۵۰۰، ۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/نقدی	- ارزیابی کیفی - یک مرحله ای	۱۱۸،۳۷۳، ۶۰۷، ۱۱۳	دارا بودن تأییدیه اداره کار در کد مربوطه
۲	۹۸/۰۵	ارتقاء مرکز تلفن پالایشگاه	۱، ۰۰۰، ۰۰۰، ۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/نقدی	- ارزیابی کیفی - دو مرحله ای	۲۰، ۰۰۰، ۰۰۰، ۰۰۰	دارا بودن گواهی صلاحیت از مراجع ذیصلاح
۳	۹۸/۰۶	ایمنی، بهداشت، محیط زیست و راهبری آتش نشانی (HSE) پالایشگاه و اماکن تابعه	۳،۷۱۸، ۰۰۰، ۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/نقدی	- ارزیابی کیفی - یک مرحله ای	۱۱۰،۸۷۷، ۶۵۲، ۵۲۲	دارا بودن تأییدیه اداره کار در کد مربوطه

٤- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: محل دریافت اسناد استعلام اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم یا تارنمای مناقصه گزار، زمان دریافت، تکمیل و تحویل فرمهای استعلام ارزیابی حداقل ١٤ روز پس از درج آگهی نوبت دوم روزنامه می باشد. مهلت ارایه پیشنهادات و بازگشایی آنها پس از انجام ارزیابی کیفی به آگاهی مناقصه گران رسانیده می شود.

مناقصه گران محترم می بایست جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی WWW.FAJRJAM.IR یا به آدرس استان بوشهر- شهرستان جم- شرکت پالایش گاز فجر جم- امور پیمانها (کدپستی ۷۵۵۱۵٦۱۵٤۸٦٤) مراجعه و یا با شماره تلفن ٦-۳۱٦۸۲۰۳٤-۰۷۷ تماس حاصل نمایند. ضمناً فراخوان مناقصات فوق الذکر در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir و پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

«روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم»

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب، دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

مؤسسه خیریه
امام جعفر صادق مسجد جامع عطار بوشهر
با پوشش ٦۵۰ خانوار نیاز به همیاری شهروندان عزیز دارد.
۰۹۱۷۱۷۱٦٤۷۰

آگهی مناقصه عمومی
(نوبت اول)

دهیاری روستای شیف، در نظر دارد که پروژه بهسازی معابر روستا را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. از پیمانکاران واجد شرایط تقاضا دارد جهت دریافت مناقصه و مدارک مربوطه به مدت ۳ روز کاری پس از تاریخ نشر این آگهی در روزنامه به دهیاری روستای شیف مراجعه نمایید.

بانک کتاب
مرکز فروش کتاب های گاج و سایر ناشران
بوشهر، خیابان سنگی روبروی استانداری، خیابان بعثت
تلفن تماس: ۳۳۵٤۰۵۰۰

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر:

۳۰ میلیارد تومان برای تقویت زیرساخت‌های پرورش میگو در استان بوشهر تخصیص یافت



رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر یکی از ظرفیت‌های مهم این استان را پرورش آبزیان دانست و گفت: در این راستا یکی از مصوبات سفر رئیس جمهور به استان، تقویت زیرساخت‌های پرورش میگو بود که ۳۰ میلیارد تومان تخصیص یافت.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، رضا عوض‌پور در نشست ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان بوشهر با تأکید بر اجرایی شدن مصوبات این ستاد اظهار داشت: سال گذشته ۱۶۰ طرح در ستاد اقتصاد مقاومتی استان بوشهر تصویب که برخی از این مصوبات برای اجرایی شدن با موانعی مواجه شد. وی، با تأکید بر حل مشکلات اجرایی شدن بیمارستان تخصصی خصوصی بوشهر گفت: برای اجرای این پروژه بانک عامل در پرداخت تسهیلات اعتباری تسریع کند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر با بیان اینکه امسال به نام رونق تولید نام‌گذاری شده است افزود: اولویت استان بوشهر رونق تولید است که در این راستا رفع موانع تولید در بخش‌های اقتصادی و صنعتی مورد تأکید است.

عوض‌پور با تأکید بر تسریع در اجرای پروژه‌های آبزی‌پروری تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های استان ساحلی بوشهر، پرورش آبزیان از جمله ماهی و میگو است که برای پرورش ماهی در قفس از محل صندوق توسعه ملی تسهیلات لازم مصوب شده است.

عوض‌پور از توسعه زیرساخت های اراضی پرورش میگو خبر داد و بیان کرد: یکی از مصوبات سفر رئیس جمهور به استان، تقویت زیرساخت‌های پرورش میگو بود که ۳۰ میلیارد تومان در این زمینه تخصیص یافت.

رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه ای بوشهر:

۲۹۰۰ نفر در حوزه صنعت ساختمان در شهر بوشهر توانمند مهارتی شده اند



رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه ای شماره ۲ بوشهر با اشاره به اینکه این مرکز خاص آموزش های مهارتی در حوزه صنعت ساختمان است، گفت: آموزش حرفه های آرماتوربندی، قالب بندی، نقشه برداری، درودگری، کابینت سازی، کاشی کاری، آجرچینی، ایمنی و بهداشت و چندین حرفه نرم افزاری در حوزه صنعت ساختمان در این مرکز به علاقه مندان به فراگیری مهارت ارایه می شود.

به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان بوشهر، شهروز غلامرضا زاده با بیان اینکه مهارت آموزی نقش مهمی در رونق تولید، اشتغال و کارآفرینی دارد و در دستیابی به توسعه پایدار اثرگذار است، اظهار داشت: مرکز آموزش فنی و حرفه ای شماره ۲ بوشهر در سال گذشته با ارایه ۲۴۰ هزار نفر ساعت آموزش به علاقه مندان زمینه ساز اشتغالزایی و کارآفرینی برای قشر جوان استان بوشهر بوده است.

وی با اشاره به اینکه آموزش ها در حوزه های مرکز ثابت، زندان، پادگان، جوار صنایع و جوار دانشگاه در این مرکز اجرا می شود، افزود: مهارت آموزی نزدیک ترین راه برای اشتغال است.

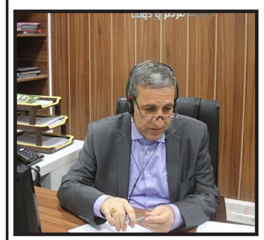
غلامرضا زاده با تأکید بر اینکه افرادی که مهارت دارند از شانس بالایی برای داشتن شغل برخوردارند، اظهار کرد: اگر افراد دارای مهارت در کشور نداشته باشیم، قطعا توسعه کشور دچار اختلال می شود و یکی از ارکان مهم توسعه هر کشور تعداد نیروی ماهر است.

وی به طرح بازدید دانش آموزی و دانشجویی از مراکز آموزش فنی و حرفه ای اشاره کرد و افزود: از زمان آغاز اجرای این طرح تا پایان ۷۰۰ نفر از دانش آموزان و دانشجویان با ظرفیت های این مرکز آشنا شده و بیش از ۴۰ درصد این بازدیدکنندگان با گذراندن گذرهای مهارتی جذب دوره های مهارتی فنی و حرفه ای شده اند.

وی افزود: اگر بخواهیم تولید علم را تبدیل به ارزش اقتصادی کنیم و آثار آن را در اقتصاد کشور و جامعه ببینیم، نیاز به نیروی ماهر داریم.

استاندار بوشهر:

مدیران استان بوشهر با جدیت در پی رفع مشکلات مردم باشند



استاندار بوشهر خواستار تلاش مضاعف برای رفع مشکلات مردم استان شد و گفت: باید کاری کنیم که مردم از ما راضی باشند.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در بازدید از سامانه سامد بوشهر اظهار داشت: رسیدگی به مشکلات مردم را به عنوان یک اولویت بسیار مهم در دستور کار داریم و باید از همه ظرفیت‌ها برای رفع مشکلات مردم استفاده کنیم. وی اضافه کرد: همه مسئولان باید رفع مشکلات مردم و تأمین نیازهای آنها را در اولویت خود داشته باشند و هیچ‌گونه کم‌کاری در این زمینه پذیرفتنی نیست و باید تا جایی که ممکن است گره‌ی از مشکلات مردم باز شود. استاندار بوشهر با اشاره به اینکه رفع مشکلات مردم با نگاه دلسوزانه میسر خواهد بود، تصریح کرد: باید کاری کنیم که مردم از ما راضی باشند و باید با استفاده از قوانین و مقررات برای حل مشکلات مردم تلاش کنیم. وی به اهمیت سامانه سامد برای رسیدگی به درخواست‌های مردمی اشاره کرد و ادامه داد: سامانه الکترونیکی ارتباط مردم با دولت چشم بینای نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی در رسیدگی به مطالبات مردم است. گراوند خاطرنشان کرد: سامانه الکترونیکی ارتباط مردم با دولت کمک می‌کند تا به مسائل مطرح شده توسط مردم با سرعت بیشتری رسیدگی شود. استاندار بوشهر در بازدید از سامانه سامد با ۱۷ نفر از مردم استان به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد و پس از شنیدن مسائل و مشکلات آنها، دستور رسیدگی برای رفع این مشکلات را صادر کرد.

وعده‌ها محقق نشد؛ نیروهای اخراجی پارس جنوبی همچنان بلاتکلیفند

علی‌رغم وعده‌های متعددی که مسئولان برای رفع مشکل نیروهای اخراجی منطقه ویژه پارس جنوبی داده بودند، این نیروها همچنان بلاتکلیف هستند.

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: هفت ماه است که تعدادی از نیروهای منطقه ویژه پارس جنوبی بلاتکلیف هستند. این نیروها ماه‌ها در انتظار تعیین و تکلیف هستند و حقوق نگرفته‌اند و حتی بیمه این نفرات واریز نشده است.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس بارها وعده داده است که این نیروها به زودی تعیین و تکلیف می‌شوند اما همچنان خبری از تعیین و تکلیف نیروها نیست. نماینده جنوب استان بوشهر و نماینده دشتی و تنگستان نیز در سخنرانی‌های مختلف تأکید داشتند که جلساتی با مدیران ارشد نفت و گاز داشتند و این نیروها به زودی تعیین و تکلیف می‌شوند.عدم بکارگیری جوانان و نیروهای کار این مناطق سبب می‌شود تا آنها موطن خود را ترک کرده و برای اشتغال به شهرها و استان‌های دیگر بروند. خوب است بدانیم عسلویه واقع در جنوب شرقی ترین نقطه استان بوشهر یکی از مناطق مهم کشور از نظر انرژی و ذخایر گازی موجود در آن است. ذخایری که هشت درصد گاز کل جهان و بیش از ۴۸ درصد گاز کل ایران برآورد می‌شود. این یک حقیقت و یک واقعیت غیر قابل انکار است که این بخش استراتژیک از کشور، نقش مهمی در تپش قلب اقتصاد ایران ایفا می کند.

مسئولان فقط وعده می‌دهند

وحید از کارکنان بلاتکلیف پارس جنوبی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر بیان داشت: از بلاتکلیفی خسته شدیم، مدیرعامل منطقه ویژه پارس جنوبی فقط تبلیغ می کند، ای کاش عمل می کرد.

متأسفانه بیمه هم واریز نشده است؛ از دی‌ماه تا الان نه کسی حقوق گرفته نه بیمه پرداخت شده است وی با تأکید بر اینکه فقط سه ماه از مطالبات گرفتیم و حتی به خیلی از نیروها مطالبات پرداخت نشده است.

وحید بیان داشت: متأسفانه بیمه هم واریز نشده است؛ از دی‌ماه تا الان نه کسی حقوق گرفته نه بیمه پرداخت شده است.

این نیروی بلاتکلیف منطقه ویژه با بیان اینکه مدیر عامل منطقه ویژه همواره خبر جذب می‌دهد اما هیچ گاه عملی نمی‌شود اظهار داشت: ما از دفتردار و مشاور پشتیبانی همه سوال گرفتیم کسی از جذب نفرات خبر ندارد و فقط پاس‌کاری است.

لزوم رفع مشکل نیروهای بلاتکلیف

شهریاری نماینده دشتی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر بیان داشت: تعدادی از نیروهای کار در پارس جنوبی اخراج شدند و مراجعاتی برای احقاق حقوق شأن به اینجانب داشتند.

شهریاری تأکید کرد: در نشست با مدیرعامل شرکت ملی نفت بر حل این موضوع تأکید شد و مطابق دستور مدیرعامل شرکت ملی نفت، مقرر شد مدیریت منابع انسانی شرکت ملی نفت در اسرع وقت اقدامات لازم برای کاریابی و بازگشت به کار تمام نیروهای بومی اخراج شده در سازمان منطقه ویژه را انجام دهند.

۲۰۰ نیرو بلاتکلیف هستند

سکینه الماسی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر بیان داشت: تعداد ۲۰۰ نفر از نیروهای منطقه ویژه همچنان بلاتکلیف هستند و به زودی مشکل استخدام آنها حل می‌شود و جذب سازمان منطقه ویژه می‌شوند. وی به زمان تعیین و تکلیف نیروها اشاره‌ای نکرد.

نیروهای بومی به کار خود برگردند

آیت الله صفایی بوشهری در خطبه‌های نماز جمعه تأکید کرد: از عوامل مهم بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق در جامعه به سبب بیکاری است.

نماینده ولی فقیه در استان بوشهر همچنین به بیکاری جوانان تحصیل کرده استان در منطقه ویژه پارس جنوبی اشاره کرد و تأکید کرد: از وزارت نفت می‌خواهیم نیروهای بومی و افراد اخراج شده را به کار خود بازگرداند.

جذب نیروها بر اساس اولویت بومی

مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس با اعلام اینکه در شرایط فعلی بحث جذب این کارکنان در هیئت مدیره شرکت ملّی نفت ایران قرار است مطرح شود، تصریح کرد: پیشنهاد این است که این نیروها برای جایی که ظرفیت‌های خالی در منطقه ویژه و سایر شرکت‌های فعال گاز و پتروشیمی وجود دارد، جذب شوند. در جذب جدید قرارداد و بیمه‌ای برای این کارکنان پیش بینی خواهد شد و با رعایت تمامی قوانین و مقررات نسبت به جذب آنها اقدام می کنیم سید پیروز موسوی با تأکید بر اینکه به‌زودی بحث جذب این کارکنان با اولویت بومی استان بوشهر تعیین تکلیف خواهد شد، اظهار داشت: جذب آنها در قالب قراردادهای پیمانکاری انجام می‌شود و برخلاف گذشته که بدون قرارداد و بیمه این کارکنان مشغول به کار شدند قطعاً در جذب جدید قرارداد و بیمه‌ای برای این کارکنان پیش بینی خواهد شد و با رعایت تمامی قوانین و مقررات نسبت به جذب آنها اقدام می کنیم. پیش از این، با وعده‌های نماینده جنوب استان بوشهر در مجلس و مدیرعامل سازمان منطقه ویژه قرار شده بود که این نیروها جذب سازمان منطقه ویژه پارس جنوبی شوند اما این وعده‌ها مسکنی بود بر زخم نیروهایی که همچنان بلاتکلیف هستند و حتی حقوق و بیمه آنها هم واریز نمی‌شود.

وقتی زنان بوشهری از خود می گویند:

«ما» فراموش شدگان وادی تفریح و شادی این شهریم

سیراف خبر؛ ایرن واعظ زاده: چگونگی گذراندن اوقات فراغت یکی از مسائل اصلی و اساسی است که به باور کارشناسان، معیار بسیار مناسبی برای تشخیص و بررسی سلامت و استحکام ساختار تربیتی جامعه می باشد. همچنین تحقیقات روانشناسان نشان می دهد که سرگرمی و تفریح باعث پرورش قوای ذهنی و جسمی انسان می گردد و اگر به شکل درستی از اوقات فراغت استفاده شود، باعث تعالی و رشد جامعه خواهد شد. بر همین اساس، توجه به اوقات فراغت زنان، به عنوان عضو اصلی تربیت کنندگان جامعه و نیمی از بدنهٔ اجتماع، همواره برای داشتن جامعه ای پویا و شکوفا لازم و ضروری می باشد.

شاغل یا خانه دار بودن زنان در تعریف فراغت برای آن ها تأثیرگذار است. زنان خانه دار بسیاری هستند که از یکنواختی زندگی کسالت بار خود خسته بوده و اوقات فراغتی به معنای واقعی ندارند. زنان شاغل نیز با داشتن ساعات فشرده در خانه و محل کار، کمتر دارای زمان آزاد و مختص به خود می باشند. علاوه بر این موارد، رویکردهای مردسالارانه نیز از دیگر مسائلی است که در تعریف گذران اوقات فراغت برای زنان نقش پررنگی دارد.

زنان بوشهری چگونه تفریح می کنند و اوقات فراغت خود را چگونه می گذرانند. هیچ کس بهتر و دقیقتر از خود آنان نمی تواند پاسخ این پرسش ها را بدهد. وقتی به پای صحبت های آنان می نشینی و از محدودیت ها و حسرت هایشان می گویند.

فاطمه ۵۵ ساله و فعال اجتماعی می گوید: «متأسفانه در خصوص امور فراغت بانوان توجه خاصی در استان و شهر ما نشده؛ برای مثال، پلاژ بانوان که می تواند بیشترین اوقات را به خود معطوف دارد، مهجور مانده است. من به عنوان یکی از زنان جامعه، اوقات فراغت خود را با مطالعه می گذرانم و بسیار علاقمند هستم که بتوانم فرهنگ کتاب و کتابخوانی را ترویج دهم؛ کتاب دوست همیشگی من است اما در حال حاضر متأسفانه فضای مجازی رقیبی برای مطالعه شده؛ اما با این وجود سعی دارم مطالعه را همیشه در اولویت قرار دهم».

آوا ۲۵ ساله و دانشجو می گوید: «امروز صبح به شدت هوس دوچرخه سواری کردم اما از ترس اینکه یک پسر به من متلک بگوید یا اذیتم کند، قیدش را زدم. البته دختران و زنان شجاعی هم هستند که به این مسائل اهمیت نمی دهند اما متأسفانه من این طور بزرگ نشده ام. محدودیت های زیادی برای فراغت من به عنوان یک دختر وجود دارد مثل عقاید خانواده، کمبود امکانات تفریحی، از خودگذشتگی به خاطر خانواده و همینطور شرایط مالی. البته اگر کسی بخواهد تفریح کند این ها همه بهانه است و همه چیز به روحیهٔ خود آدم برمی گردد».

مریم ۲۸ ساله و فروشنده می گوید: «من از صبح تا شب در خانه نیستم و اگر خانه باشم، معمولاً کتاب می خوانم یا به کارهای دستی مشغول می شوم و به گل و گیاهانم می رسم؛ گاهی هم با دوستانم وقت می گذارنم. بیشترین مشکلی که در مورد نحوهٔ تفریح برای من وجود دارد، مطیع قوانین خانواده بودن است».

مینا ۳۵ ساله و مدرس دانشگاه می گوید: «اوقات فراغت در واقع شامل زمان هایی است که فرد درگیر کارهای اجباری نیست و به راحتی به فعالیت های مورد علاقهٔ خود می پردازد. من هم طبعاً زمان های فراغتم را به کارهای خوشایند خودم مانند شعرخوانی، موسیقی و تفریح و دیدار با دوستانم می گذرانم. من گذراندن این اوقات را طبعاً با توجه به اینکه یک زن متأهل و دارای فرزند هستم در نظر می گیرم؛ بیرون رفتن و دیدار دوستان را طوری برنامه ریزی می کنم که تداخلی با بودن فرزند و همسرم نداشته باشد و یا فعالیت های دیگر. در واقع تأهل با مدیریت زمان کمتر می تواند محدودیت در فراغت ایجاد کند».



آذر ۲۸ ساله و دانشجو می گوید: «من وقت بیکاری ام را با شیوه های مختلف پر می کنم؛ مطالعه، ورزش، دیدار دوستان یا خرید؛ بعضی مواقع هم به سرم می زند و می روم به دل طبیعت. اما مشکلاتی هم دارم؛ به عنوان یک دختر نمی توانم هر جایی که دلم می خواهد بروم و در هر شرایطی باید نگران جامعهٔ آلوده به فکر خراب باشم و ناچارم خودم را محدود کنم به مکان ها و زمان های امن. به نظر من مسئلهٔ فراغت خانم ها بیداد می کند چون در هیچ زمینه ای برای آن فکری نشده است».

زیبا ۳۷ ساله و خانه دار می گوید: «من اغلب درگیر کار خانه و ورزش و تفریح برای خودم هستم و مشکلات و محدودیت هایی هم دارم مثلاً اینکه هر زمان که نیاز به تفریح داشته باشم نمی توانم از خانه خارج شوم و جز این، بعضی مسئولیت ها و وظایف خانه اجازه استراحت و اختصاص به امور دیگر را به من نمی دهد».

زنانی که خود را هم فراموش کرده اند

آنچه خواندید، گوشه ای از دردها و حسرت های نیمی از مردمان یک اجتماع است. محدودیت هایی که به لایل مختلف مانند نگرش های سنتی به زن، مردسالارانه بودن محیط های خانوادگی و اجتماعی، نداشتن امنیت و حریم، نبودن امکانات و... مانع از تفریح زنان می شود. در این میان به نظر می رسد فاجعه بارترین قسمت ماجرا تن دادن نهایی زنان به این شرایط و همچنین نداشتن تصور درست از حقوق و ممکن بودن تحقق آن است که در بخشی از زنان این استان رخ داده است. مکانیسم تابوسازی و خودسرکوب گری به عنوان دو بازوی قدرتمند در عدم مطالبه گری زنان برای داشتن تفریح مؤثر ظاهر شده است. در همین رابطه زهرا رضایی طرهانی؛ منتقد اجتماعی در خصوص حیطه های مختلف گذران اوقات فراغت در زنان و ارتباط آن با کیفیت زندگی آنان بیان می کند: «زنان ایرانی کمتر اوقاتی را با عنوان فراغت و بیکاری دارند. آن ها به قدری درگیر مسائل خانوادگی هستند که کمتر به خود می اندیشند و گاه نیز اصلاً نمی اندیشند. اوقات فراغت و بیکاری در میان زنان ایرانی متفاوت است و رفاه اقتصادی آن را طبقه بندی می کند. زنانی که در طبقهٔ مرفه جامعه هستند کلاس های شنا، یوگا، سفر با تورهای گردشگری و... در برنامه زندگی شان جای دارد. زنان متوسط که هم شاغل و هم خانه دار هستند به سختی اوقاتی را برای خود به عنوان فراغت جای می دهند که آن هم پر از دغدغه است و زنانی که در سطح پایین اقتصادی قرار دارند و ساعت های متوالی در حال کار، که عمدتاً سخت است، نه تنها اوقات فراغت، که خود را نیز فراموش کرده اند».

وی ادامه می دهد: « فراغت یعنی فارغ بودن از امور روزمره و بیکاری؛ یعنی کاری جز اینکه به فراغت اختصاص دهی، نداشته باشی، که متأسفانه عموماً در جامعه ایرانی کمتر آن را مشاهده می کنیم. علت اصلی آن هم شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور است. هر چند اعتقاد دارم زنان بایستی در طول زندگی زمانی را برای خود قرار دهند و ساعاتی از آن خودشان باشد؛ کاری که مردان به راحتی در ایران به آن می پردازند. در واقع باید گفت هر چقدر شرایط زندگی بهتر باشد، به همان اندازه هم می توان به خود و فراغت خود اندیشید».

شهردار بندر بوشهر:

نهایت تلاش شهرداری برای افزایش رضایت تاکسی داران به کار گرفته می شود

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، در نشستی صمیمی که با حضور سیدنورالدین امیری شهردار، احمد بارگاهی مشاور ارشد و مدیر حوزه شهردار، گرشاسب گرشاسبی رئیس حراست، عبدالله کردگار رئیس سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری بندر بوشهر و جمعی از تاکسی داران در شهرداری بندر بوشهر با موضوع بررسی مسائل و مشکلات تاکسی رانان برگزار گردید.

در ابتدای این نشست، تعدادی از رانندگان تاکسی ضمن قدردانی از شهردار محترم به دلیل برگزاری این نشست، به بیان مشکلات حوزه کاری خود پرداخته و خواستار حمایت بیشتر مسئولین امر در رفع مشکلات مطروحه ذیل گشتند.

وجود مسافربرهای شخصی و لزوم پیگیری قانونی و مؤثر، موضوع امنیت و ثبات کاری تاکسی داران، پایین بودن کرایه و نرخ حمل و نقل درون شهری، تعیین تکلیف تسهیلات اعطایی و طرح نوسازی ناوگان، عدم وجود تعاونی ویژه تاکسی داران، موضوع معاینه فنی تاکسی ها، جدیت و اهتمام بیشتر گشت سازمان تاکسیرانی در موضوع نظارت بر عملکرد تاکسیرانان.

در ادامه شهردار بندر بوشهر، با تاکید بر اهمیت نقش



رانندگان بعنوان سفیران این شهر در معرفی شهر به مسافران بویژه میهمانان، اظهار داشت، رانندگان تاکسی نمایندگان فرهنگ و شخصیت استان هستند و اگر مهمانی وارد شهر بوشهر شود، نحوه برخورد رانندگان می تواند غنا و جایگاه فرهنگ والای شهر و استان را به مهمانان معرفی نماید.

امیری با بیان اینکه برگزاری این نشست جهت رفع مشکلات رانندگان تاکسی ضروری بود، خاطرنشان کرد: شهرداری با تمام توان برای بهبود وضعیت رانندگان تاکسی تلاش می کند تا انگیزه لازم برای فعالیت همه تاکسیران ها فراهم شود.

عبدالله کردگار رئیس سازمان حمل و نقل بار و مسافر نیز ضمن قدردانی از شهردار محترم و سایر شرکت کنندگان در این نشست، به بیان توضیحات لازم در خصوص موارد مطرح شده توسط تاکسی داران پرداخت و بعضی از مشکلات از جمله، بیمه تامین اجتماعی تاکسی داران و یا نوسازی ناوگان تاکسیرانی را فراتر از محدوده سازمان و یا شهرداری بوشهر دانسته که متأسفانه علیرغم پیگیریهای مستمر تاکنون اقدامی در جهت بهبود وضعیت در راستای رفع این مشکلات صورت نگرفته است.

کردگار در ادامه گفت: در حال حاضر تاکسی داران برای انجام سرویسهای خود به تعمیرگاه مرکزی سازمان مراجعه می کنند و توزیع لاستیک های یارانه ای (با نرخ مصوب) بین تاکسی داران در حال انجام می باشد و همچنین معرفی واجدین شرایط طرح نوسازی به بانک عامل در خصوص دریافت تسهیلات جهت نوسازی تاکسی های فرسوده نیز در حال اجرا می باشد.

ایجاد پاتوقی برای دورهمی سالمندان بوشهری

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، از آنجایی که توجه به سلامت جسم و روح سالمندان نیز همچون سایر اقشار جامعه شهری می بایست مد نظر مدیریت شهری قرار بگیرد، چرا که با تامین سلامت جسم سالمندان، آنان با اتکا به قابلیت های فردی می توانند با محیط پیرامون خود ارتباط مناسب تری داشته ضمن گپ و گفت صمیمی و غنی سازی



اوقات فراغت، از زندگی لذت ببرند. لذا در راستای ایجاد روحیه نشاط و شادابی برای این قشر فرهیخته و افراد مسن تعدادی نیمکت سایه بان دار در مکان های مختلف سطح شهر جهت دورهمی های صمیمانه این عزیزان نصب گردیده و به پاتوقی برای آنان تبدیل شده است.

آگهی تغییرات

شرکت پدرام گناوه گروه پنج هزار و دویست و سی و پنج شرکت تعاونی به شماره ثبت ۱۲۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۴۳۹۲۱۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -خانم زینت مرادی به شماره ملی ۳۵۳۹۸۳۰۹۳۶ به عنوان بازرس اصلی و خانم صغری عبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۹۵۶۹۹۰۱ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. (۴۵۱۴۶۸)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

«ساسی گیت» از نگاهی دیگر

محمد فاضلی

ساسی مانکن آهنگی خوانده، در چند مدرسه پخش شده و حالا مسأله اول فرهنگ مملکت شده است «آقامون جنتلمنه». داستان بالا گرفته و «ساسی گیت»ی شده است. کاربردی‌ترین راهبرد این گونه مسائل نیز «دراز کردن چند مقصر» است تا بیچاره‌ها «بز بلاگردان» بشوند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد. بگذارید ما این راه را نرویم و موضوع را از زوایای دیگری ببینیم.

– بیست سال پیش کتاب «ممیزی کتاب» (نوشته احمد رجب‌زاده، انتشارات کویر) را ویراستاری می‌کردم. نویسنده نشان داده بود که چگونه تیغ سانسور، ریشه ادبیات و رمان ایرانی را از بیخ خشکانده است. فرصت توضیح‌اش نیست، خودتان بخوانید حیرت می‌کنید.

– شانزده سال پیش کتابی نوشتم به اسم «مصرف و سبک زندگی» و نشان دادم که سلیقه‌های مردم دنیای جدید مخلوط و التقاطی می‌شود. مردم «همه چیز خوار» می‌شوند یعنی روزه می‌گیرند، می‌رقصند، ساسی‌مانکن و موسیقی سنتی را با هم گوش می‌کنند، تواشیح قبل از اذان را هم دوست دارند و از متن‌های تلگرام و ویدئوهای اینستاگرام تا جنگ و صلح و مثنوی مولانا را هم می‌خوانند. این روند دنیای مدرن است. اگر سیاست فرهنگی کشور فرصت بروز به رمان خوب و تربیت موسیقیایی خوب ندهد، خب آن قسمت ساسی‌مانکنی «همه‌چیزخواری» قوی‌تر می‌شود.

– دوازده سال پیش هم کتابی نوشتم به اسم «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی» و نشان دادم که برچیدن موسیقی و تربیت موسیقیایی از جلوی دست و پای مردم، چگونه به ذائقه موسیقیایی شکل داده است. تردید ندارم اگر کتابی هم درباره شادی نوشته بودم، «جامعه تشنه شادی» در آن جلوه می‌کرد. خب، جامعه‌ای با تربیت موسیقیایی ضعیف و تشنه شادی، میل به ساسی مانکن‌اش بالا می‌زند.

– حالا این‌ها را در ذهن داشته باشید تا چند آمار را با هم مرور کنیم. سایت رسمی نمایشگاه کتاب (ir.book۳۲) به بازدیدکنندگان نمایشگاه امکان می‌داد تا کتاب‌ها را جست‌وجو کنند. گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) نشان می‌دهد:

– از میان ۱۰ کتابی که بیش از همه جست‌وجو



شده‌اند، هشت کتاب رمان و داستان خارجی بوده‌اند: ۱– ملت عشق (الیف شافاک)، ۲– انسان خردمند (یووال نوح هراری)، ۳– خودت باش دختر (ریچل هالیس)، ۴– من سر قولم هستم» (امیرعلی ق)، ۵– دنیای سوفی (یوستین گوردر)، ۶– کیمیاگر (پائولو کوئیلو)، ۷– اکنون (فاضل نظری)، ۸– جزء از کل (استیو تولتز)، ۸– شدن (میشل اوباما) و ۱۰– وقتی نیچه گریست (اروین یالوم).

– بیست کتابی که بیشترین جستجو درباره آن‌ها انجام شده عبارتند از: ملت عشق، انسان خردمند، خودت باش دختر، بنویس تا اتفاق بیفتد، جزء از کل، اثر مرکب (دارن هاردی)، توحید مفضل، بیشعوری، کیمیاگر، نخل و نارنج (وحید یامین‌پور)، اکنون (فاضل نظری)، عقاید یک دلقک، دنیای سوفی، شازده کوچولو، چهار اثر، قرآن، تئوری انتخاب، صد سال تنهایی، راز، قلعه حیوانات، و کوری. نکته مهم این است که فقط یک کتاب رمان نویسنده ایرانی در بین این بیست اثر وجود دارد. کتاب اکنون فاضل نظری، شعر است.

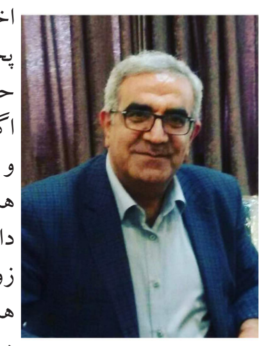
– بیشترین جستجوی نام پدیدآورنده کتاب متعلق به این افراد بوده است: ۱– فاضل نظری، ۲– سیمین دانشور، ۳– هوشنگ ابتهاج، ۴– صادق هدایت، ۵– نادر ابراهیمی، ۶– محمود دولت‌آبادی، ۷–کریم زمانی، ۸– برایان تریسی، و ۸– میشل اوباما. دو نفر خارجی‌اند و به غیر از فاضل نظری (متولد ۱۳۵۸)، همگی نویسندگان و شاعران نسل‌های قبل از انقلاب هستند. بیشترین موضوعات جست‌وجو شده هم عبارتند از: ۱– رمان، ۲– روانشناسی و ۳– شعر.

– این آمارهای ساده چه می‌گویند؟ اول، مردم بیش از هر چیز به دنبال رمان، داستان، کتب روانشناسی و شعر هستند. دوم، مردم در بین کتب رمان و داستان، آثار جذاب نویسندگان ایرانی را نیافته‌اند و کتب محبوب‌شان نوشته خارجی‌هاست؛ نه این که مردم خارجی‌ها را دوست دارند، نظام فرهنگی کشور از پرورش نویسندگانی که مردم را جذب کنند بازمانده است. سوم، نویسندگان نسل جدید نتوانسته‌اند از پس غول‌ها، از سیمین دانشور گرفته تا صادق هدایت و محمود دولت‌آبادی برآیند. چهارم، جامعه ما را چه شده است که هنوز آثاری خلق شده بر بستر دنیای اجتماعی سیمین دانشور، صادق هدایت، نادر ابراهیمی و هوشنگ ابتهاج فضایی برای نویسندگان جدید باقی نمی‌گذارند؟

– «ساسی گیت» محصول سیاست فرهنگی این کشور و تحولات دنیای مدرن است. مردم ایران هم مثل سبک زندگی بقیه مردم دنیا «همه‌چیزخوار» شده‌اند با این وصف که تیغ سانسور و سیاست نشر کتاب و عرضه موسیقی، جلوی سر برآوردن نویسندگان بزرگ و جذاب ایرانی، و تربیت موسیقیایی مردمی ناشاد را گرفته است. نتیجه: «آقامون جنتلمنه» از کودکان و مردم دلبری می‌کند. چرا ناراحتید؟

شجریان می ماند، تا ادب و فرهنگ و هنر جاودانه است

دکتر سعید معدنی



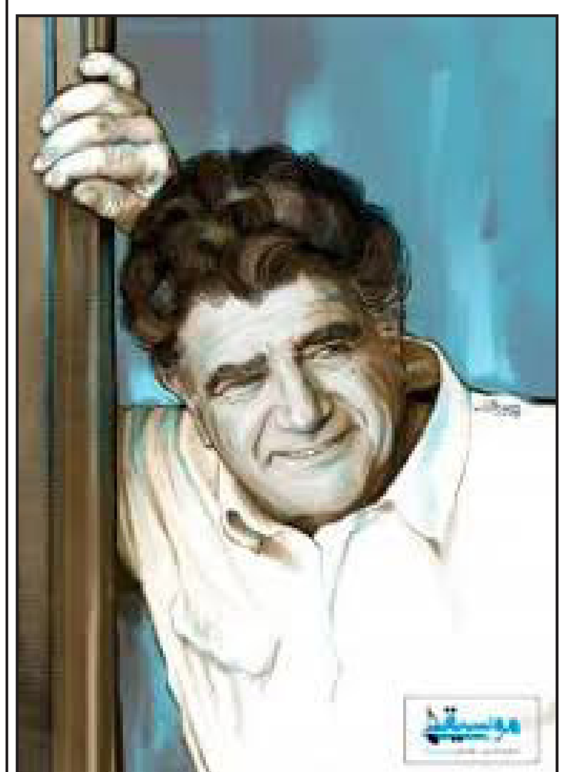
اخیرا سخنی از الیاس حضرتی درباره استاد شجریان در شبکه های مجازی پخش شده که بسیار لحن زشت و غیر فرهنگی دارد.

حضرتی فکر کرده که مثلا دارد از شجریان و هنر دفاع می کند اما نمی داند اگر اینگونه سخن بگوید هم دوستداران شجریان و حاملان فرهنگ را آزرده و هم عرض خود برده است.

همه آنهایی که در ۶۰ سال اخیر موسیقی سنتی ایران را پیگیری می کنند می دانند که شجریان شخصیتی نیست که جریانات و موضع گیری های سیاسی زودگذر بتواند غباری بر چهره درخشان ایشان در عرصه هنر ایران بنشاند.

همیشه به دوستانم گفته ام همانطور که عده ای افسوس می خورند کاش مثلا دوره حافظ و مولانا و سعدی و... بودند و محضر ایشان را درک می کردند، آیندگان هم به حال ما هم عصران شجریان غبطه خواهند خورد و خواهند گفت "خوشا به حال کسانی که در محضر شجریان بوده و نغمه آسمانی، زیبا و معنوی او را از نزدیک شنیده اند"

الیاس حضرتی و امثالهم شخصیت سیاسی هستند تا فرهنگی و ادبی، لذا برایشان حرجی نیست؛ اما انتظار می رود کسی که در آستانه ۶۰ سالگی قرار دارد و ۴۰ سال در حوزه سیاسی فعالیت داشته، موقع صحبت کردن درباره بزرگان کمی مکث کند و آنگاه سخن بر زبان براند تا جانب ادب رعایت شود. البته سخن گفتن به این شیوه و سبک متاسفانه در میان رجال سیاسی امروز فراوان است و تعجبی ندارد!



ایشان نمی دانند درباره چه شخصیتی و چه هنری صحبت می کنند. اینان نمی دانند که "اهل فرهنگ میزبان هستند و اهل سیاست میهمان" و این اهل فرهنگ هستند که در تاریخ به یادگار می مانند و اهل سیاست فراموش خواهند شد.

برای مردم امروز مهم نیست که در زمان فردوسی و نظامی و ناصر خسرو و سعدی چه کسانی وزیر و وکیل بوده اند بلکه این شاعران و هنرمندان و اهل اندیشه و این چهره های فرهنگی هستند که در تاریخ در ذهن و ضمیر ما مانده اند و برای ما در نزد جهانیان آبرو خریده اند و همچنان موجب احترام ما در میان مردمان جهانند.

نام محمدرضا شجریان در عرصه هنر و فرهنگ این سرزمین می ماند چه خیابانی به اسم ایشان باشد چه نباشد. او یک تنه به اندازه یک لشکر فرهنگی برای ایران ما موسیقی فاخر و ارزشمند ساخته، گویی در برخی مواضع سیاسی با ایشان همنظر باشیم یا نباشیم. الیاس حضرتی نمی تواند سخن درست بگوید حتی اگر نماینده مجلس و صاحب نشریه هم باشد و نازنینی مثل سید علی میرفتاح را به عنوان سردبیر نشریه اش انتخاب کند. میرفتاحی که سعی کرد با قلم توانمند و روانش یادداشتی درباره شجریان بنویسد تا آبرو ریزی الیاس حضرتی را جبران کند و از تلخی این اظهارنظر نسنجیده بکاهد.

همگان می دانند نام شجریان و هنرش در تاریخ آینده ایران می ماند، چراکه ادب و فرهنگ و هنر جاودانه است. خداوند به ایشان و به همه کسانی که برای اعتلای هنر و فرهنگ این سرزمین و این مردم زحمت می کشند سلامتی عطا کند و در گذشتگان این قبیله را بیامرزد.

قیمت تضمینی خرید گندم یا ایجاد زمینه قاچاق و فساد؟

محمد ملاکی



قیمت تضمینی خرید نوعی دخالت اقتصادی دولت در مکانیسم بازار آزاد است. بر پایه آن دولت آمادگی و تعهد خود را برای خرید هر مقدار از کالایی خاص (معمولاً محصولات کشاورزی استراتژیک مانند گندم) به قیمتی معین اعلام می دارد و تولیدکنندگان در صورت افت قیمت بازار به سطحی پایینتر از قیمت یا نیافتن مشتری در بازار می توانند کالای خود را به این قیمت به دولت بفروشند. در حالی که این روزها قیمت تضمینی خرید گندم مفهومی دگر یافته است و دولت نرخ خرید تضمینی گندم (۱۱۰۰ تومان) را پایین ترین حد ممکن و حتی کمتر از نرخ تولید آن مشخص کرده است و کشاورزان را تشویق به فروش محصول خود به قیمت تضمینی دولت می کند.

یکی از مهمترین اختیاراتی که تولیدکننده دارد، فروش محصولات خود به خریداری است که به بهترین قیمت محصولش را بخرد. در ارتباط با کشاورزان همواره این حق از آنها گرفته شده؛ چه زمانی که دلالان محصولشان را به کمترین میزان می خرند و به بالاترین حد ممکن در بازار می فروشند و چه زمانی که دولت قیمت خرید محصولی را که درآمد یک سال کشاورز است به مراتب پایینتر از قیمت تولید آن محصول تعیین می کند.

با توجه به شرایط اقتصادی کشور و افزایش نرخ ارز، قیمت گندم در کشورهای همسایه حدود چهار برابر نرخ تضمینی خرید دولتی است. بنابراین پیش بینی می شود یک بازار دلالی بوجود خواهد آمد که گندم را از کشاورز به قیمت کمی بالاتر از نرخ تضمینی خواهد خرید و به قیمت چندین برابری نرخ تضمینی دولت به کشورهای همسایه قاچاق خواهد کرد. در این گونه شرایط سود حاصل از تولید گندم در کشور به جیب دلالان خواهد رفت و کشاورزان به دلیل ضرر و یا سود بسیار اندک، تمایلی به تولید گندم نخواهند داشت و یا از گندم خود به دلیل قیمت بسیار پایین آن در مقایسه با سایر خوراک دام، به عنوان خوراک دام خود استفاده خواهند کرد.

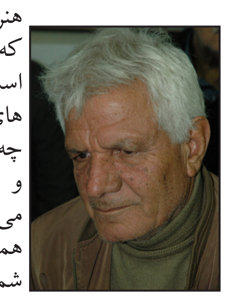
از دیگر مشکلاتی که به وجود خواهد آمد،کمبود گندم در کشور و مجبور شدن دولت به واردات گندم به قیمت خیلی بالاتر از نرخ خرید تضمینی خواهد بود. تنها راه مبارزه با این مشکلات احتمالی پیش بینی شده، استفاده ار مکانیزم بازار آزاد خواهد بود. بدین معنی که دولت باید قیمت خرید تضمینی گندم از کشاورز را افزایش دهد و به قیمت جهانی آن که چیزی حدود شش هزار تومان است نزدیک کند تا از قاچاق گندم و ایجاد فساد در سیستم اقتصادی جلوگیری کند.

به بهانه درگذشت زنده یاد دکتر احمد اقتداری

گفت باید ای دریغا عالمی

ناصر علیخواه

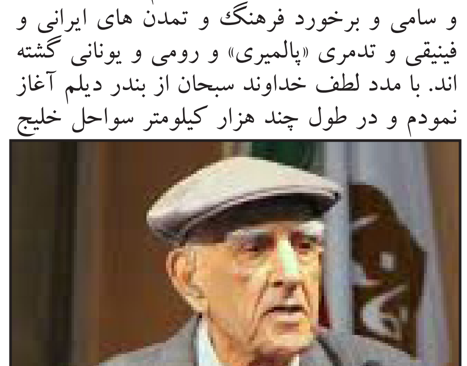
گرچه در هر ماتمی خیزد غمی
فرق دارد ماتمی با ماتمی
لیک اندر مرگ مردان بزرگ
گفت باید ای دریغا عالمی



هنر پدیده و خلاقیتی است که جان مایه آدم های خاصی است که صرفنظر از مزیت های زندگی اجتماعی و هر چه هست به زمین می گذارد و بدون اهمیت صرف نظر می کند و با دقت و تلاش همه جانبه و صرف وقت بی شماری تا به یک آفرینش و خلاقیتی برسد.

خبر درگذشت: «پیر دیر خلیج فارس شناسی استاد احمد اقتداری» در رسانه ها مایه تأسف جامعه فرهنگی شد، که در ازاء خلق تألیفات متعدد تاریخی به ویژه خلیج فارس شناسی که عمری در راه شناسایی مناطق مختلف با شرایط سخت سال های قبل از انقلاب اسلامی که از نظر امکانات جابه جایی بسیار سخت به انجام می رسید و اگر هم با صرف هزینه های گزافی صورت می گرفت اغلب با وسائل اولیه امثال: اسب، قاطر و شتر و کمک راهنما در بیابانها و گرفتاری های خاص آن دوره مشکلاتی به همراه داشت.

استاد در مقدمه کتاب ۱۱۳۳ صفحه ای آثار شهرهای باستانی و سواحل خلیج فارس و دریای عمان که برترین اثر تاریخ خلیج فارس شناسی است می نویسد: سال ها پیش که هنوز شور و شوق جوانی در سر بود، با تلاشی در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی» تألیف مرحوم «لسترنج» به فکر آن بودم تا در باب شهرهای کهنی که بر کرانه های خلیج فارس و دریای عمان و بر جزایر این دریای پرماجرای دنیای قدیم، روزگاری آبادان بوده اند و با گذشت زمان حتی نام آنها از خاطره ها رفته و تنها در دل پر اسرار کتب نام برخی از آنها بجا مانده است، جستجویی کنم و حاصل مطالعات و تحقیقات خود را به صورت کتابی منتشر سازم با انتشار کتاب ارجمند «اقلیم پارس» که به همت انجمن آثار ملی منتشر شد و مؤلف دانشمند آن دقت و کوشش بسیار برای تدوین آن کتاب به کار بست. چراغ راهی برای اندیشه ی ناآرام خود یافتم و دریافتم همان بستر که حاصل بررسیهای خود را با ذکر بازمانده از روزگاران کهن و کشف جای شهرهای قدیم، به مرحله تدقیق برسانم. به سال ۱۳۴۵ انجمن محترم آثار ملی با همتی در خور ستایش از این ناچیز خواستار تدوین کتابی شد که همه ی آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و جزایر خلیج فارس و دریای عمان را چه این سو و چه آن سوی آب، بدون ملاحظه ی مرزهای قراردادی شامل شود و آثار تمدن های دیرپای فراموش شده ی این منطقه ی وسیع جغرافیایی را دربرگیرد. با وقوفی که به دشواریهای کار داشتم، دل به دریا زدم و به امید خداوند گره گشای توانا، این کار سخت آغاز نمودم. در متون قدیم بر ساحل شمالی خلیج فارس، مرز فارس و خوزستان را «بندر مهروبان» نوشته اند که بر ساحل خلیج فارس و سر حد ولایت «ارجان» واقع بوده است و مشهورتر بندر دریای عمان را بندر «تبس» ذکر کرده اند که بر ساحل جنوبی خلیج فارس، حتی بر روزگارانی بس قدیم، از بندرهای «میش ماهیگ و اوال» و «ایکاروس» که در درون جزیره هایی نزدیک به ساحل جنوبی خلیج فارس قرار داشته اند، نام رفته است که رابط– سرزمین های دوردست شرق و غرب عالم بوده اند و نقطه ی ارتباط تمدن های بین النهرین و ایلام و هند و... سوداگری و بازرگانی دریایی اقوام هند و اروپایی و سامی و برخورد فرهنگ و تمدن های ایرانی و فینیقی و تدمری «پالمیری» و رومی و یونانی گشته اند. با مدد لطف خداوند سبحان از بندر دیلم آغاز نمودم و در طول چند هزار کیلومتر سواحل خلیج



فارس و دریای عمان سفرهای دراز چند ماهه کردم تا به چابهار و تیس رسیدم و از «پسابندر» مکران گذشته بار دیگر از بلوچستان و گواتر آغاز سفر کردم و به بندر دیلم باز آمدم، و نیز در هر فرصت و هر موقعیت دیگر با هواپیما و زورق و کشتی و اتومبیل و اسب و الاغ و استر و شتر و پیاده از درون دره ها و بیابانها و گذرگاههای بی آب و علف و بر قله و کمرکش کوهها گذشتم. کاویدم و جستجو کردم، یک بار در دریا غوطه ور شدم، بار دیگر از رنج بی آبی و ناخوشی در معرض تلف افتادم، به جزیره های غیر مسکون شتافتم و تا سواحل جنوبی خلیج فارس و امارات آن به جستجو و عکسبرداری پرداختم، بحرین و کویت و ریاض و قطیف و لحساء و هفوف و دمام و خور و دهران و تاروت و تاج و جزایر خارگ و هورمز و سری و کیش و لارک و هنگام و قشم و لاوان و جزایر متعدد واقع بر قرب ساحل جنوبی خلیج فارس چون جزایر «ابوظبی» و مجمع الجزایر بحرین و جزیره «فیلکه» و غیره را دیدم و بازیافتم و بازشناختم. موزه ها و کتابخانه های همسایه و غیرهمسایه از «بیروت» و «نیکوزیا» و «بغداد» و «کویت» گرفته تا موزه «بریتانیا» و موزه ی «لور» و موزه ی جزیره ی «پوتلند» دانمارک، بعضی را با سفر و دیدار برخی را با خواستن کتابها و مجلات و عکس ها و گزارش های باستان شناسی وارسی و کنجکاوی نمودم و حاصل این دیدارها و پژوهش ها را به صورت کتاب حاضر درآوردم. که در بیست و یک فصل با نقشه ها و تصاویر فراوان به زیور طبع آراسته گردیده است. شهرهای باستانی که درباره ی هر یک، فصلی از این کتاب اختصاص یافته است به ترتیبی که در کتاب مذکور افتاده است عبارتند از: مَهروبان، سی نیز، گناباد، توز، دشتستان، ریشهر، دشتی و تنگستان بتانه و بردستان، سیراف، نابند و کوش کنار، کُنگ و لنگه، گمبرون و سورو، جردن و میناب، شهر تیس بر ساحل خلیج فارس و دریای عمان و شهرهای: هرموز و لارک و کشم (قشم) و هنگام، کیش و سری، خارک، اوال و میش ماهیگ، که امروز بحرین خوانده می شود. و ایکاروس که امروز فیلکه خوانده می شود و جزیره خلیج فارس است و آخرین مطالعات باستان شناسان دانمارکی و کاوش های علمی که در ساحل جنوبی خلیج فارس به عمل آمده و حتی تازه ترین گزارش این حفاری ها به سال ۱۳۴۸ هجری شمسی به زبان های دانمارکی و انگلیسی منتشر گردیده است. و همچنین برای ذکر آثار سیراف قدیم، گذشته از فصل خاصی که با نام: «سیراف» به شیوه ی سایر فصول آمده است. و آخرین و دقیق ترین نتایج حفاری که به وسیله گروه باستان شناسی انگلیسی در آن محل انجام گرفته و حاصل تحقیقات به صورت گزارش هایی در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ هجری شمسی به زبان انگلیسی منتشر شده است و بدین ترتیب تمدن و فرهنگ باستانی منطقه یی وسیع از آب و خاک وطن گران بهای کهن که هر گوشه آن پر از یادگارهای گذشته های دور و نزدیک غرورآفرین و عبرت انگیز است به دانش پژوهان شناسانده آید. (احمد اقتداری، نیاوران، آذرماه ۱۳۴۸ هجری شمسی)

اقتداری به ایران عشق می ورزید، به مانند دیگر پژوهشگرانی که عمر خود را مصروف و مشغول این سرزمین کرده اند پاداش فرهنگی وی عنوان «ایران شناس» اطلاق کرد. ایران شناسی که برخاسته از همین آب و خاک است. که با پای پیاده سرزمین های بسیاری را درنوردیده و گوشه گوشه ی آن را ثبت و ضبط کرده است یاد و خاطر ارزشمندش را در گستره تاریخ خلیج همیشه فارس مانا ماند.

پی نوشت ها: ۱– ماهنامه بخارا شماره ۲۲– صفحه ۱۸۰– ۱۳۹۲ ویژه مهاتما گاندی نوشته سیدمصطفی محقق داماد

۲– آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان صفحه اول مقدمه مؤلف تا صفحه ۵ –اقتداری، احمد، چاپ اول: تهران انجمن آثار ملی ۱۳۴۸– ه. ش

۳– گنجینه ایران ۲ سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شماره ۶۵

نقدی بر عملکرد جبهه اصلاحات در بوشهر:

گویی هنوز در بر همان پاشنه می‌چرخد...

حسین صداقت: از روزهای ابتدایی سال ۹۸ تاکنون، شاهد مباحثاتی در برخی از گروه‌های واتس‌آپی استان بودیم که عملکرد نیروها و نهادهای نزدیک به اصلاح‌طلبان را مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی انتقادی قرار داده بودند، که یک طرف این مباحثات جوانان غیرحزبی اصلاح‌طلب و سوی دیگر متولیان اسم و رسم دار احزاب اصلاح طلب قرار گرفته بودند.

این مباحثات را باید به فال نیک گرفت، چرا که اگر هیچ نتیجه‌ای هم نداشته باشند، تنها همین که مرزهای سیاست‌ورزی طرفین و حدود گفتمان‌شان آشکار می‌شود، ارزشمند است.

حالا بنظر می‌رسد بازخوانی نکاتی از نامه‌ای که در سال ۹۶ حدود ۴۰۰ نفر از جوانان اصلاح‌طلب استان به دلیل ضرورت حضور فعالانه و مجدانه جوانان در همه عرصه‌ها، برای پیشبرد بهتر گفتمان اصلاح‌طلبی و گشودگی هرچه بیشتر فضاهای سیاسی، خطاب به آقای خاتمی نوشتند و وضعیت اصلاح‌طلبی استان را مورد ارزیابی انتقادی قرار دادند، خالی از لطف نباشد:

روحیه ی نقدپذیری و پذیرش اشتباهات که یکی از اصول اولیه اصلاح طلبی ست، در میان مدعیان سکانداری اصلاحات در استان بوشهر به فراموشی رفته است. غالب دبیران احزاب و شخصیت های حقیقی مدعی اصلاح طلبی در بوشهر، خود را غیرقابل نقد می دانند و با منتقدان، برخوردهای ناخوشایند و بی اخلاقانه دارند. فارغ از اینکه دیده شده در مورد برخی منتقدین، به صورت سازمان دهی شده، از تخریب و تهمت و افترا استفاده نموده و حتی رویکرد حذفی اتخاذ کرده اند.

برخلاف آرمان‌های اصلاح طلبی، احزاب اصلاح طلب بوشهر در هیچ زمینه ای حتی در زمینه سیاسی برنامه ای نداشته و ندارند. به عنوان نمونه، در طی چهار سال دولت اول دکتر روحانی که فضای نسبتا آزاد سیاسی و فرهنگی برقرار و بستر مناسبی جهت تبیین و بسط تفکر اصلاح طلبی مهیا شده بود، دوستان حزبی حتی یک برنامه و همایش سیاسی اجتماعی برگزار نکرده اند، حتی یک برنامه میدانی برای افکارسنجی نداشته اند، و هیچ تلاشی جهت گسترش گفتمان اصلاح طلبی میان اقشار جامعه از ایشان دیده نشده است. با این توصیفات آیا به جا نیست که بپرسیم دوستان مشغول چه کاری بوده و هستند؟ و چرا اجازه ی ورود به نیروهای جوان و خوش فکر و دارای ایده و انرژی را نمی دهند؟ چرا تنها محل بروز و ظهور دوستان در شورای سیاست گذاری و احزاب، برای کسب پست و مقام است؟

توسعه کانون های دانایی در بوشهر ضروری است

رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: توسعه پارک های علم، فناوری، پردیس ها، نواحی خلاقیت، مجتمع های علمی به عنوان کانون های دانایی در بوشهر ضروری است.

به گزارش ایرنا، عبدالمجید مصلح در سومین نشست از مجموعه نشست های فکری 'مکتب بوشهر' با موضوع توسعه کانون های دانایی در شهر افزود: کانون دانایی یک محیط تک کارکردی خسته کننده که فقط محلی برای کار باشد نیست و این کانون باید فضایی برای تفریح، اوقات فراغت، واحدهای خرده فروشی و فعالیت های فرهنگی، هنری باشد.

مصلح اظهار داشت: برای توسعه یک کانون دانایی عوامل مختلفی وجود دارد که از جمله آنها می توان به حفظ کسب و کارها و کارکنان دانایی، جذب رویدادها و دیگر فعالیت های موفق و برندسازی برای شهر به عنوان یک شهر پیش کنشگر در اقتصاد دانایی محور اشاره کرد. وی افزود: احیا، بازسازی و به روز رسانی یک محله یا منطقه تخریب شده، توسعه و ارتقای نوآوری و گردهم آوردن و نزدیک کردن پژوهش و کسب و کار از دیگر عوامل لازم برای توسعه کانون های دانایی است. در این نشست استادان و متخصصان شهری به بحث و تبادل نظر پرداختند. این نشست ها بصورت هفتگی و با محوریت کانون های دانایی و فناوری به میزبانی دانشگاه خلیج فارس در بوشهر برگزار می شود.

آگهی تغییرات

شرکت فرآورده های دریایی نگین شالو شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۸۴۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۱۳۴۲۸۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت به صورت نقدی با پرداخت مبلغ ۵/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طی گواهی شماره ۷۲۴۱۲۷۱۶۰۵ مورخ ۹۷/۱۲/۰۵ بانک کشاورزی سرمایه شرکت از مبلغ ۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰/۰۰۰ سهم ۴۵/۰۰۰ ریالی به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰/۰۰۰ریالی افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. (۴۷۲۸۶۷)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر

ادب و هنر

شماره ۸۸۹ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸

NASIM JANOUB

ماه بانو و کلاه جادویی

ستایش دهقانی

دانش آموز دبستان خدیجه کبری بوشهر کلاس چهارم ابتدایی



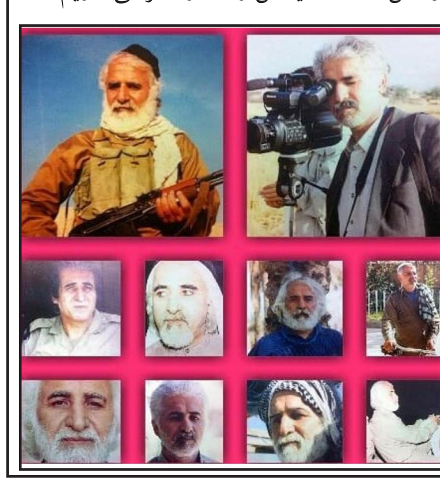
در روستای خوش آب و هوای چاهکوتاه بوشهر زن و شوهری مهربان زندگی می کردند. زن حامله شد و آن ها صاحب یک دختر خوشگل شدند. نام دختر را بانو گذاشتند.
پدر و مادر بانو دختر کوچولوی خودشان را ماه بانو هم صدا می زدند. چند سالی گذشت و ماه بانو بزرگ شد. او دیگر برای خودش ناز دختری شده بود. مادر و پدر ماه بانو از داشتن این فرزند خیلی خوشحال و راضی بودند. برایش از داستان و خاطره مادربزرگ که پیش از انقلاب در شهر بوشهر زندگی می کرد می گفتند. ماه بانو یک اتاق بسیار زیبا و رویایی داشت. پدرش اتاق را برایش رنگ کرده بود. از پنجره بوستان جنگلی چاهکوتاه پیدا بود. در اتاق، عروسک ها و وسایل مهم خودش را آویزان کرده بود و لباس ها و النگوهای خوشگل را در جا لباسی نگهداری می کرد. دوست نداشت کسی آن ها را ببیند. او یک کلاه جادویی هم در اتاقش داشت که یادگار مادربزرگ بود. از داشتن این کلاه جادویی خوشحال بود.
وقتی کلاه را بر سر می گذاشت به یاد مادربزرگش می افتاد اما مادربزرگ مهربان سال ها پیش از دنیا رفته بود. ماه بانو همیشه به یاد او بود و آرزو می کرد مادربزرگ دوباره برگردد. ولی این اتفاق نمی افتاد و کاری هم نمیشه کرد. روزی از روزها ماه بانو کلاه را بر سر گذاشت و به خواب رفت. در خواب دید که مادربزرگ آمده و به او می گوید دخترم هر آرزویی داری بکن و بعد ببین که آرزویت برآورده می شود.
ماه بانو در همان موقع یک آرزو کرد. آرزویش این بود که مادربزرگش زنده شود و پیش او بیاید.
صبح که از خواب بیدار شد دید که مادربزرگش کنار تخت نشسته است و او را ناز می کند و دست بر سر او می کشد. ماه بانو از این اتفاق بهت زده شد ولی چه فایده باز هم مادربزرگش زنده نشده بود و یک خیال بود. روز بعد ماه بانو دوباره کلاه را بر سر گذاشت و دید که دوباره مادربزرگش آمده و به او می گوید عزیزم من زنده نمی شوم ولی تو می توانی در خواب من را ببینی و با من صحبت کنی.
ماه بانو کم کم داشت باورش می شد و می خواست آن را امتحان کند! روز بعد در خواب دید مادربزرگ به او می گوید که راز این خواب ها را نباید کسی بفهمد و یا بداند که کلاه یادگاری من جادویی است. ماه بانو گفت مادربزرگ خیالتان راحت باشد من این راز را برای کسی فاش نمی کنم. حتی با پدر و مادرم. این گذشت تا اینکه روز بعد در خواب دید که مادربزرگ به او می گوید: "دخترم، گل زیبای من، فرشته نازم حالا وقتش است که من بروم به دنیای خودم".
ماه بانو گفت: "مادربزرگ منظورتان از دنیای خودم چیست؟".
مادربزرگ گفت: "سرزمین آرزوها در خواب هایی که من را می دیدی، روحم بود. الان هم روح هستم فقط خواستم که به یادم باشی و حالا باید بروم".
ماه بانو گفت: "من همیشه به یادت هستم. خداحافظ مادربزرگ!".
مادربزرگ گفت: "خدانگهدار نوه ی گلم. ولی یادت باشد که مادربزرگ تو را دوست دارد و همیشه این راز را نگه دار".
ماه بانو با این خواب هایی که دیده بود کلاه را خیلی دوست داشت. چون کلاه باعث شده بود مادربزرگش را ببیند. یک روز بهاری سیزده بدر چاهکوتاه ماه بانو کلاه دوست داشتنی را بر سر گذاشت و به طبیعت رفت. در همان لحظه که داشت قدم می زد و به ماجراهای خواب و خیال فکر می کرد باد تندی وزید و باد کلاه را برد.
ماه بانو چشم هایش پر از اشک شد و به دنبال کلاه دوید ولی باد کلاه را با خود به یک جای خیلی دور برد. ماه بانو با گریه به خانه برگشت و در اتاق خود نشست و زار زار گریه کرد.
مادرش به اتاق او رفت و گفت: "چه شده دخترم؟".
ماه بانو ترسید که اگر ماجرا را بازگو کند مادربزرگ دیگر او را دوست نداشته باشد. ولی نمی توانست جلوی خودش را بگیرد و سرانجام ماجرا را برای مادرش از اول تا آخر تعریف کرد.
مادر ماه بانو گفت: "دختر گلم این ها فقط خواب بوده و یک کلاه بی ارزش است. تو برای کلاه کهنه و قدیمی گریه می کنی که مال سال ها پیش از انقلاب است؟".
ماه بانو ناراحت بود و خودش را سرزنش می کرد که چرا ماجرا را برای مادرش تعریف کرده است. منتظر مادربزرگ ماند. شب آن روز دوباره خواب دید که مادربزرگ آمده و به او آفرین می گوید و ماه بانو کمی با خجالت به مادربزرگ گفت: "من را ببخش ماجرا را به مادرم گفتم".
مادربزرگ پاسخ داد: "نه نوه ی گلم آفرین به تو که از گفتن حرف راست نترسیدی و ماجرا را به مامانت گفتی. خوشحالم که خیلی راستگو هستی و از دروغ گفتن بیزاری".
ماه بانو از گفته مادر بزرگ خوشحال بود. اما در چشم بهم زدنی مادربزرگ از خیال او دور شد. با پشت دست پلک ها را مالید و با خودش فکر کرد که خیالات خواب آلود پیش آدم نمی ماند. باید بر تلاش و کوشش خودمان تکیه کنیم و با آدم های زنده حرف بزنیم. به زیبایی طبیعت فکر کنیم و منتظر کلاه جادویی نمانیم.

چقدر در این راه مشقت دید و دم نیاورد

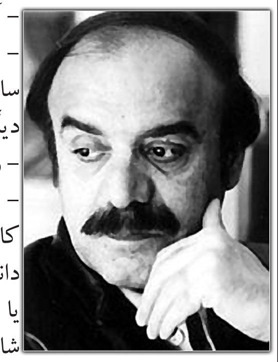
مهرداد معماری



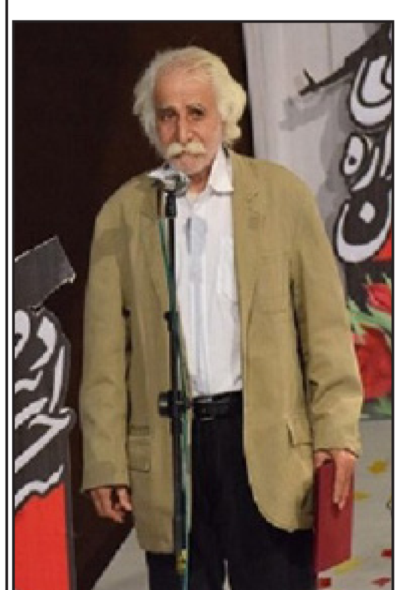
منم شنیدم لابد تو هم شنیدی که میگن قوی گنگ در طول عمر هیچ صدایی تولید نمی کند و تنها در نزدیکی لحظات مرگ، به گوشه ای دنج پناه برده و آوازی زیبا به عنوان اختتامیه عمر عاشقانه خود می خواند که با اتمام آواز جانش را از دست می دهد. چند وقتی بود پیج استاد علی غلامی پر شده بود از ویدیوهای دلتنگی های عاشقانه اش. میخواند و آهنگین می خواند تا صدای رسایش باز هم رساتر باشد در این هیاهوی روزگار. مردی ساکت و خندان اما در درون؛ آتشفشانی مهارناشدنی. هنوز حوضچه ی دنیایش پر بود از مرواریدهای درخشان که هر یک زجه هایی بودند بر صحنه های متعددی که خلق می کرد. علی غلامی؛ آرام نیامده بود که این گونه خاموش؛ خاموش شود!
مرد پرشور و تلاش صحنه های تئاتر بوشهر و البته بعدها؛ آبادان. شاید آن روز که خانه و کاشانه ی بوشهری اش را به مقصد زادگاهش آبادان ترک کرد در سر رویای تئاتر دهه چهل و پنجاه آبادان داشت. بزنگاهی با ابهت که تنها نام کارگردانان بزرگش چون عیوق و صیادی و لاریان و... برای آسودگی خیال کافیست که صحنه مرا صدا میکند و او با انبوهی تجربه و دستانی پر به زادگاهش آمده بود تا غزلخوان بشود در زیر نورهای موضعی صحنه.
علی غلامی؛ همچون بارانی پررحمت آمده بود تا قطار تئاتر آبادان را جهشی؛ تحرک و جوششی مضاعف دهد و خدا می داند چقدر در این راه مشقت دید و دم نیاورد.
و اینک امروز؛ او نیز به جمع آفرینندگان صحنه های تئاتر که رخ کشیدند به خاک پیوست تا ما بمانیم و آنچه از آنان یاد گرفته ایم.
روحش ماناست؛ یادش را هماره گرامی داریم.



مصاحبه با احمد آرام نویسنده و هنرمند بوشهری:
هرگز در ساحت هنر خسته نمی شد



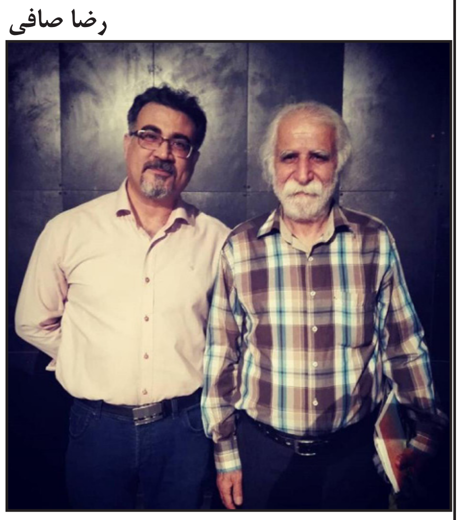
– آشنایی شما با زنده یاد علی غلامی به چه زمانی برمی گردد؟
– من بعد از انقلاب بود که با آقای علی غلامی آشنا شدم، در همان سال یعنی سال ۷۵ نمایشنامه با هم کار کردیم بعد از آن مرتباً در زمینه تئاتر و نوشتن با هم دیگر تماس می گرفتیم.
– زندگی هنری وی را چگونه ارزیابی می کنید و چگونه می بینید؟
– زنده یاد علی غلامی بسیار عاشق تئاتر بود و همینطور سینما، بازیگری، کارگردانی و در زمانی که در بوشهر در اداره آموزش و پرورش بودند خیلی از دانش آموزانش را تربیت کرد که امروز اغلب آنها یا بازیگرند یا کارگردانند و یا نویسندگی می کنند و من از نزدیک شاهد بودم که زندگی خودش را وقف شاگردانش می کرد و کوشش داشت که صمیمانه آن ها را با مسایل و مشکلات تئاتر آشنا کند. در نتیجه یک انسان فوق العاده صمیمی بود و زندگی هنری بسیار سالمی داشت و هیچگاه برعلیه کسی نبود و همه را دوست داشت، با اینکه زمانی که در بوشهر بود یک مقدار مورد اذیت بعضی ها قرار گرفت و مجبور شد از بوشهر به آبادان برود، ولی خاطرات خوبش هنوز با ما هست.
– ایشان چه نقشی در بالندگی و رشد تئاتر و هنر بوشهر داشت؟
– او زندگی خود را وقف این کار کرد، یعنی وقتی وارد زندگی او می شدیم، به دلیل صمیمیت هایی که داشتیم متوجه بودیم که او فقط هنر را مد نظر داشت و زندگی اصلیش همین زندگی هنریش بود و در این زمینه زندگی خودش را ایثار کرد. دقیقاً تا لحظه آخر عمر که به بوشهر آمده بود باز هم او چهره دوست داشتنی داشت، چهره ای که می خواست همیشه با هنر باشد و همیشه با بچه های تئاتر باشد، به سن و سال خودش توجه نمی کرد و همیشه خودش را انسان جوانی می دانست و در واقع عشق و نیاز او به هنر او را همیشه جوان نگه داشته است.



– خاطره ای از وی برای خوانندگان نسیم جنوب بیان کنید؟
– خاطره زیاد است، بهترین خاطره من مربوط به سال ۷۵ است، زمانی که نمایشنامه «جلیقه نجات روی صندلی شماست» را نوشته بودم و کارگردانی می کردم. آقای علی غلامی در آن نقش عمده داشت و در آن بازیگری می کرد و خاطرات خوبی رقم خورد و آنها را فراموش نمی کنم. آخرین بار هم که آمد بوشهر با من تماس گرفت و با من راجع به تئاتر و نویسندگی صحبت کرد و گفت می خواهم ببینمت و من گفتم دارم یک تئاتر با بچه های علوم پزشکی کار می کنم برای تهران، گفت پس من میام آنجا و می بینمت و گفتم بیا و فایل مجموعه داستانت را هم که قبلا برای من فرستاده بودی یک بار دیگر بیار که من به نشر نیما بدهم، آن ها را چاپ کند، که گفت من بیشتر بخاطر همین برای دیدنت می خواهم بیایم و در مورد این مجموعه صحبت کنیم و کمک کنید. ولی هر چه منتظر شدم نیامد و بعد فهمیدم آن دوستی که قرار بود او را به سالن نمایش بیاورد گویا نتوانسته بود و متاسفانه دیدار آخر صورت نگرفت و این غصه بزرگی برای من شد. تا اینکه یکی از دوستان از آبادان ساعت دو و نیم سه شب با من تماس گرفت و دقیقا متوجه شدم که هرگز نه صداش را خواهیم شنید و نه او را زیارت خواهیم کرد.
– زنده یاد علی غلامی چه ویژگی های اخلاقی و هنری داشت که می تواند برای هنرمندان الگو باشد؟
– گرداگرد ما هنرمندان همیشه دو قشر هنرمند هست قشری که از عشقیا هستند و قشری که از اولیا هستند، علی غلامی از اولیا بود یعنی از آدم هایی بود که می شد خیلی زیاد او را دوست داشت و من همیشه در کارهای هنریم وقتی او در کنار من بود احساس امنیت می کردم و این احساس را همه به ما نمی دهند مگر این که خالص و صمیمی باشند و همانطور که گفتم هنرمندانی که جزو اولیا هستند و همیشه دوست داشتنی هستند و همیشه کنار هم هستند. دوستان علی غلامی را خیلی دوست داشتند و همیشه برایشان الگو بود، چرا که آدمی بود که از سختی ها نمی هراسید و هرگز در ساحت هنر خسته نمی شد و یکی از مهمترین ارزش های اخلاقی او این بود که دوستان قدیمی خود را فراموش نمی کرد و این خصلت مردانه ای بود که در این آدم دیده می شد.

مصداق یک لحظه از حرکت باز نایستادن

رضا صافی



علی جان! استاد عزیزم! الآن که این متن را برایت می‌نویسم، چهار، پنج ساعتی از آرامشت می‌گذرد. بعد از سال‌ها تلاش و از حرکت باز نایستادن، حقیقتا چنین عمر پر برکتی، جای دستمریزاد و خسته نباشید دارد.
تو مصداق یک لحظه از حرکت باز نایستادنی! هنگامی که پس از دهها سال تدریس و آموزش نتوانستی فیلم بسازی یا جلوی دوربین بروی، تئاتر کار کردی و نوشتی. و زمانی که مجالی برای تئاترت فراهم نشد، شعر سرودی و منتشر کردی.
علی جان! غلامی عزیز! خوشحالم که در آخرین دیدار همه ی تلاشم را کردم که به رسم شاگردی دستانت را ببوسم؛ گرچه نگذاشتی و متواضعانه حسرت آن را بر دلم نهادی!
علی جان! خوشحالم که در آخرین دیدار هدیه‌ای به رسم یادبود به حضورت تقدیم کردم که تصویر مهربان خودت بود. و باز خوشحالم که در همان دیدار -که همین چند روز پیش بود- در حضور همگان گفتم که همچون یک برادر بزرگتر یا یک پدر، دوستت می‌دارم و مدیون زحماتت هستم.
اکنون بعد از سال‌ها بالاخره قلبت از تپش بازمانده و تنت آرام گرفته است. زمان استراحت فرا رسیده است استاد. کمی آرام بگیر. وقت فراغت توست!
اکنون دوست می‌دارم بعنوان یکی از دهها و صدها شاگردت با صدای بلند بگویم: سپاسگزارم استاد! خسته نباشید! خدا قوت...
شرح عکس: من و استاد غلامی عزیز. چند روز پیش (۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸) در حاشیه ی مراسم تجلیل از ایشان در بوشهر.
پی‌نوشت: راستی! در همین فیلمنامه ی اخیرم برایت نقشی نوشته بودم. چه کنم؟ بخدا قسمت نشد. شرمنده استاد!

نگرشی بر بویه و پویه ی سخندانی–ترانه

حیدر عرفان



هر نُسُفته دُری، دُری می سُفت/ هر ترانه، ترانه ای می گفت
نظامی گنجه ای پارسی زاد
هنگامه ی زبان گشودن مردمان آغازین در لایه ی گفت و شنفت (نگارش و سرایش) را نتوان به آسانی به دست داد. چرا که هر گاه و هر چه در شمار آمده با رویکرد تنها بسندگی یکسویه و خرافه- افسانه- بوده است. گفته اند، مادر، با دم دادن آوای «لالایی» نخستین آغازگر این توانمندی بوده است.
در پس آن هم در انگاشت پیشینه ی مردمان به شکارگری و جانورکُشی برای شکمسیری، هنگام برپایی آتش کبابی، همراه تن جنبانی (رقص) و هلهله و جیغ و داد شادمانه تا فرو افتادن چیزهای آهنگ دار، آرام- آرام مردمان به زبان گشادن رسیده اند. جدای از گزارش ماندگانی های دیانتی فرازمینی، مانند «اوستای زرتشتی» «ودای هندی در مایه زبان سانسکریت» تا «قرآن مجید» وو (؟). نوای آهنگین مادرانه (همان لالایی در گفتار) «دزفولی/شوشتری =مارزایی» می تواند گویای همین نگرش و زن و وازنی- چند و چونی- بشمار آید.
زیرا در این پایه و جانمایه، پیرامون ادب- اوستایی /پهلوی- چه پهلوانی شمالی یا- چه پهلوی جنوبی پارسیک- و در پس ایندو «زبان پارسی- دَری» این شناخت و شناسایی بدست آمده است. (ترانه سرایان بوشهر یا دشتستان بزرگ جاوار پارس باستان. دفتر یکم رویه ۱۰ تا ۱۱ چاپ تهران ۱۳۷۱).
ترانه را در یکجا همپای «بیت تازی» دانسته اند آن یک سروده ی دولختی می باشد که هر لخت را «مصراع یا پاره» گویند. روی همه چهار لخت یا چهارپاره هم «دوبیتی» نامیده شده است.
به گمانی سراینده ی این سرایش چون که در خانه می نشسته و درب اتاق را بر روی خویش می بسته تا با دل آرام و آرامش جان، خواسته ی خیال انگیز خویش را با تراوش قلم (مداد) بر روی کاغذ بنگارد، نامش را دوبیتی (دولختی درب اتاق) خوانده اند.
آوای در این سنجه (گرده=بومی) در چهارچوب (قالب) بَحر هزج کامل و یا ناقص (مقصور)=(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل...) بر زبان سر- که برخیال انگیزی خود خاسته بوده- روان می گردد. این آرامخوانی ترانه- درنگه یا زمزمه نامیده می شود.
زمزمه یعنی ترنّم زیر لب که جمع آن را «زمازم» گویند (فرهنگ صبا ۵۴۳).
ازینرو، واژه ی «درنگه DERENGE یا زمزمه» با یک برداشت و نوا می باشد.
:«اوستا یا اوستاک APISTAK-AVESTA نامه ایست بازمانده از «وخشور زرتشت (زراتشت) که زمانش به سده ها پیش از تاریخ مسیحی (پم) می رسد. (۴۰۰۰ سال پیش از این) مجموعه ی دفترهای اوستای موجود- که اندکی بسیار آن به ما رسیده- دارای چند بخش (نسک NASK) است.
... بخش «گاتها به معنی سرود یا شعرنامه» از سروده ی زرتشت و به هنر شعر ویژه بوده است. بخش گاتها از قدیمی ترین سروده های فراباستانی از خود «اَشو زرتشت...» دانسته شده است. زبان اوستایی با نامگیری از «اوستای زرتشت» در سده های ۶-۴- پم در خاور و باختر ایرانشهر باستان (ایرانوج) رواج یافته بود. دانشمندان، زبان اوستایی ایرانی را با زبان سانسکریت هندی «همریشه- خواهرخوانده-» می دانند بدین سخن که زبان اوستایی در ایران کهن و زبان سانسکریت در هند پهناور، زبان رسمی و همگانی روزگار خود بوده اند.
به دیگر سخن، ادبیات اوستایی- پهلوی پس از آن- زبان حال اندیشه و نوشتار (دبیره) زرتشتی بود. زبان اوستا، زبان هندی سانسکریت نیز، خط و زبان گویای «ودا VEDA» در آن روزگاه پارینه ی- دیرپا بود...
گاتها، شعرهای بلند چندهجایی (۱۹/۱۶/۱۲/۱۱ سیلابی SYLABLE) بود. (فرهنگ معین ج ۵ اَعلام رویه ۱۹۸= اوستا بکوشش جلیل دوستخواه رویه ۲۹).
«هنری توماس در تاریخ تمدن ص ۱۳۴» زرتشت را سخنور سده ی هفتم پیش از میلاد یاد کرده، سپس به مجموعه ی سرود گاتها اشاره (انگشت نشانی) می کند.
به هر روی «ساسانیان پس از اشکانیان» بنیادگر و تجدیدکننده ی حیات زرتشتی پس از آنان، با یک دوره فَترت درازگاه شدند. در این راستا اگر چه زبان و ادب پهلوی (فهلویات) از ادبیات اوستایی در زمان ساسانی «کسرویان»* فاصله گرفت روی هم رفته از دیدگاه ادبی، یک میراث (جاوار) گرانبها و پرارج برای بازماندگان (جاوارداران یا میراث خواران)، تا امروز روز بشمار می آید. (ادیان بزرگ جهان هاشم رضی صص ۴۲۹-۴۱۷ =۱۱-۱۰)
۲۵۰-۳۲۳ میلادی یا روزگار میانه
خزانه سپریان به پهلوی
درباره زبان پهلوی – پهلوانی این انگشت نشانی از سوی حکیم ابوالقاسم منصور حسن فردوسی (پردیسی) نیز واگویه (نقل قول) شده است. (ج اول ۸۴۷)
اگر پهلوانی ندانی زبان /به تازی تو «اَروند» را «دَجله» خوان یا
بسی رنج بردم، بسی نامه خواندم/ به کردار و گفتار گشته کهن
واژه ی پهلوانی سخن (زبان رسا و شیوا- فصیح پارسی یا پهلوانی سرود/ پهلوانی سما:
سخن های رستم به نای و سرود
بگفتند بر پهلوانی سرود
نظامی
مُغنّی، سحرگاه بر بانگ رود
بیاد آور آن پهلوانی سرود
مسعود سعد سلمان
بشنو نیکو شنو نغمه ی خنیاگران/ به پهلوانی سماع به خسروانی طریق
در راستای این پیوند ترانه یا فهلویات تازی شده (مُعرّب) پارینه در روزگاران زبانهای رسمی کهن ایران زمین پا داشته است.
فهلویات بجای ترانه در سروده های چهارپاره- دوبیتی- «باباطاهر همدانی» در مقام سرایش بومی (لِری- پارسی) با سوز و ساز پادار گشته است.
ترانه جزو اشعار غنایی- چوپانی- بشمارست که دوبیتی یا چهارپاره در سامان جنوب میانی (استان بوشهر جاوار پارس باستان)، گستره ای گسترده یافته است.
از این رو، شَروه /شَروا/شَربک/شهری و... . به نوای دل شکیب غمانه، ترانه خوانی- فایزخوانی روی دارد. این غمناله زمزمه ی دوستی، عشق، فداکاری، پریشانحالی، بیدلی، درد دل کردنی، آه دل فریادخوانی (هیگاله) و اندوهبارست.
پیشتر آمار ترانه در «لالایی/رودخوانی» در گفتار های بنام تنگستانی/جمی/حاجیانی/دشتیاتی/ دشتستانی/لِری دشتستانی، از «فایز محمدعلی دشتی با شهرت دشتستانی» گستردگی دارند.
دو نوای «مکوندی MAKVANDI بختیاری و شوشتری –دزفولی =«مارزایی-مادرزایی» در ساختار «دشتی- دشتستانی»، میگلی، یاریارخوانی (بیدکانی/بیرخونی) در آهنگ رسمی پارسی و نوازندگان بدین شیوه وانمود و نمایانی دارند.
ترانه سرایان بوشهر- حیدر عرفان - دفتر یکم ۱۳۷۱خ رویه های ۱۲ تا ۱۹).
امروزه کمینه شاعری را می توان یافت که در گونه های شعری رسمی (معیار) و بومی شعر بسراید و از ترانه سرایی- دوبیتی، بی مایه باشد.
بلند شدن نوا و بُت زدن BOT-ZEDAN یا ویبره VIBRE در «شَروه SARVE» خیزش آوا از گلوی خواننده است. خیزش بلندتر و رساتر را «کله فریاد/ سرفریاد...» نامند.
این آوای دلپسند و جان بخش را «شلوا/شلوه SALVE/SALWA در سامان های فراتر از دیار دریابار- زمینی و کوهستانی پارس (جنوب میانی ایران) نام داده اند.
نامهای گونه گونی در این راستا را در «ترانه های دریایی»* می توان یافت. مانند شکی/شُلیل/ شَوره/وِرار/وَسمال/بیت شادمانه/دل شکیب غمانه/مَکوندی/و... .
* به کوشش از هر (پریسا) عرفان نشر شروع بوشهر چاپ ۱۳۸۵/آفتابی رویه های ۴/۳۸/۲۷ ۸۳/۷۸/۷۲/۶۹/۶۷/۶۶/۵۴/۵۱/۶.
این نگارنده، افزون بر سروده های خویش مانند «گنج عرفان پنجگانه»، «نیلوفرانه دو دفتر»، «شهر آشوب» یا «جنگرو JANGARU»، «پیکار قدم و قلم» و.... در «شروه نامه» دستنامه آورده است.
از دیگر شاعران سامان بوشهر (دشتستان بزرگ یا پارس باستان) در گردآورده های ترانه سرایان سه تانه دفتری» به زبان رسمی- معیار و بومی در دستنامه ی چند هزار رویه ای با نام «هزار نگار یا دانشوران استان بوشهر» به ویژه دستنامه ی «فرهنگ خرمابن» به گونه ی گسترده یاد نموده و سروده های گردآورده ی هر یک را نمونه آورده است.
{بیشتر} از خدا خواهیم توفیق عمل!!!

نسیم جنوب
گزارش
شماره ۸۸۹ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

مناقصهٔ روگذر میدان آزادی و جزئیاتی از برآورد غیرواقعی قیمت

اکبر توسلی- عضو شورای شهر بوشهر

این جانب از بدو حضور در شورای شهر بوشهر همواره تلاش داشته ام در راستای منافع عموم مردم شهر هر آنچه که باید انجام شود را انجام دهم. اگر در برابر غلامعلی میگلی نژاد، اصرار بر اجرای قانون رسمی کشور نمودم، اگر در فرایندهای انتخاب شهرداران در هر مقطع نهایت دقت را داشتم که این نگین خلیج فارس به دست نااهلان نیفتد، اگر در تابستان سال گذشته در فرایند انتخاب شهردار در مقابل نامزدهایی که نامشان مطرح می شد، علی رغم علم به اینکه می دانستم همکارانم در شورا به بنده رأی نخواهند داد اما به عنوان کاندیدای شهرداری ایستادگی نمودم، همه برای آن بود که منفعت عموم مردم شهر چنان ایجاب می کرد، حتی اگر خود اکبر توسلی از اعتبار خویش هزینه می داد و حتی مورد هجمه و قضاوت های ناجوانمردانه قرار می گرفت.

امروز یک بار دیگر در معرض آزمونی سخت قرار گرفته ام، آزمونی که می توان در برابر یک فرایند غلط و به غایت خسارت بار و هزینه‌دار برای خزانهٔ شهرداری که با مالیات مردم این شهر اداره می شود سکوت کرد و با مدیریت «باری به هر جهت» کنونی در شهرداری و بلکه استان هم نوا شد و یا ایستاد و بار دیگر در معرض تخریب و تهمت و اهانت قرار گرفت، اما ذره ای از اجرای قانون و منافع مردم عقب ننشست و البته که به حکم عهد و سوگند خویش، این جانب وظیفهٔ خود می دانم بایستم حتی اگر بار دیگر به دادگاه کشیده شوم.

شهر بوشهر در آستانهٔ برگزاری مناقصهٔ تقاطع غیرهم سطح میدان شهید مطهری (سه راه باغ زهرا) قرار دارد. این مناقصه ایرادات جدی دارد. برآوردهای اولیه به غایت غلط و غیر اصولی بوده و هیچ یک از موارد فنی ملازم با احداث پل در آن دیده نشده است:

۱- تأسیسات مکانیکی و برقی (هوایی و یا زیرزمینی)، علائم ترافیکی و خط کشی محوری، رنگ آمیزی سطوح بتنی و فلزی، دستک های فلزی، غلاف های تأسیساتی، فضای سبز میدان و بلوار، ژئو تکنیک که تأثیر زیادی در برآورد و هزینه تمام شده دارند، در این برآورد قیمت ۲۵ میلیارد تومانی محاسبه و ریز متره نشده اند؛

۲- تخریب و جا به جایی پل عابر پیاده سمت ایستگاه دانشگاه آزاد، در بلوار آزادی، و همچنین تابلوی راهنمای خیابان صلح آباد منظور نگردیده است؛

۳- محل تجهیز کارگاه، محل خرید و تهیهٔ مصالح، شیفت کاری پروژه نامشخص است و پس از ارجاع کار و انعقاد قرارداد چنان چه پیمانکار هزینهٔ اضافه ای درخواست نماید می تواند مشکلات عدیده ای برای پروژه ایجاد نماید.

۴- اصلاح هندسی فرم میدان و راست گردهای خیابان های اطراف آن، محل دفع آب های سطحی اطراف آن، در روها (شیب عرضی) میدان در برآورد دیده نشده است.

اما این همهٔ آن چیزی نیست که امروز برای ثبت در تاریخ این شهر می گویم تا فردا در محضر شهروندان سرافکنده نباشم: محل تأمین اعتبار این پروژه، مبلغ ده میلیارد تومان از محل اوراق مشارکت در سال ۹۸ و ده میلیارد تومان از محل اوراق مشارکت در سال ۹۹ منظور گردیده و ۵ میلیارد تومان از محل اعتبارات شهرداری در نظر گرفته شده، اما با توجه تعدیل های مشمول سنوات آتی پروژه ضرایب قیمت پیشنهادی پیمانکار، قیمت واقعی کار بسیار بیشتر از برآورد اولیه علاوه بر تمامی موارد بالا خواهد شد که هیچ گونه پیش‌بینی بر ضمهٔ دولت و یا شهرداری لحاظ نگردیده است.

شایان ذکر است این سبک بستن قرارداد و برآورد قیمت غیر اصولی و غیر واقعی همان اتفاقی را تکرار و تداعی می کند که در تقاطع غیر هم سطح میدان آزادی (برج) رخ داد که به دلیل سطحی نگری و عدم برآورد واقعی انجام کار و استفاده از مشاوران کم تجربه منجر به اضافه شدن بار مالی و نارضایتی عمومی به لحاظ مالی گردید و علاوه بر قرارداد اصلی اجرای تقاطع، ۲۲ قرارداد جدید که شامل روشنایی، فضای سبز، تأسیسات، آسفالت، نرده حفاظ ایمنی، دستک های پل، پرچم، تجهیزات ترافیکی و علائم ترافیکی، خط کشی محوری و... می گردد.

همهٔ اینها در حالی است که اساساً طبق طرح جامع شهری، بوشهر نه در میدان آزادی و نه در میدان شهید مطهری نیازمند تقاطع غیر هم سطح نمی باشد و این اصرار از برای دور زدن طرح تفصیلی شهر که تمام مهندسین شهرسازی بر مبنایی بودن همین طرح اتفاق نظر دارند یکی از مهمترین ابهامات در مدیریت ارشد استان است که جا دارد پاسخ گفته شود چگونه مدیریت های سلیقه ای را بر مدیریت های تخصصی برتری داده اند. در پایان برای ثبت در تاریخ این شهر و علی رغم همهٔ قضاوت های غیر منصفانه و بلکه ناجوانمردانه لازم به ذکر می دانم مناقصهٔ این پل به ادلهٔ متقن فوق و بسیاری از اصول فنی و تخصصی دیگر که از حوصلهٔ این مطلب خارج است، فاقد وجاهت لازم بوده و در نهایت خسارات هنگفتی متوجه شهرداری بوشهر و شهر خواهد نمود.

بررسی کارشناسی مهمترین پروژهٔ شهرداری شهر بوشهر:

در روگذر جدید بوشهر باید انطباق خواسته‌ها با اصول علمی شهرسازی ملاک باشد

در خصوص احداث روگذر میدان برج، طرح جامع چنین چیزی را ندیده و طبق قانون این پل باید خراب شود و تمام هزینه آن را هم از مسئولان سابق بوشهر گرفته شود

در آستانهٔ برگزاری مناقصه و سرانجام اجرایی شدن مهمترین پروژهٔ این سالهای شهرداری شهر بوشهر یعنی روگذر میدان مطهری (سه راه باغ زهرا) که برآورد اولیهٔ قیمتی آن ۲۵ میلیارد تومان بوده، گزارشی از یک میزگرد با حضور دو تن از مهندسان سرشناس منتشر می نماییم که در دفتر سیراف خبر در اوایل اردیبهشت ماه ترتیب داده شد تا دریچه ای تازه به روی آیندهٔ شهر گشوده شود. آنچه در ادامه می خوانید میزگردی با حضور دکتر محمود جمهیری، رئیس کمیسیون تخصصی شهرسازی نظام مهندسی بوشهر و دکتر محمد کبگانی، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز و عضو سازمان نظام مهندسی استان فارس می باشد:

کبگانی: شما فرض کنید ترافیک در میدان مطهری با احداث این پل کم شود؛ با سه راه بازرگانی، سه راه آتش نشانی و چهار راه باهنر چه کار کنیم؟ ما فقط ترافیک را از «نقطه الف» برداشته و به «نقطه ب» منتقل کرده ایم.

کبگانی: باید چراغ بگذاریم که با زمان‌بندی چراغ حجم ورودی به میدان کنترل شود. بنیاد شهرسازی از حمل و نقل شروع می شود. علم شهرسازی به ما می گوید اگر میدانی درست ساخته شده باشد تا ۱۲ هزار خودرو در ساعت را می تواند مدیریت کند.

کبگانی: سبک شهرسازی ایراد دارد. اینجا همه چیز دلالی است و دلالی جای شهرسازی نشسته است. این دلالی مردم را بدبخت می کند. اصول و ضابطه داریم. کسانی که این بلا را به سر بوشهر می آورند به دبی بروند و ببینند که کار به آنها می‌دهند که انجام بدهند؟ ما یک استانداردهایی داریم که به ما می گویند در منطقه شهری به چه کاری می آید و چه حجمی از تراکم و ترافیک باید داشته باشد. شهرسازی که اینگونه نیست شما بیاید هر چقدر می‌خواهی تراکم بدهی تا بالا برود.

جمهیری: آیا این طرح مطالعه دارد؟ کسی گفته است از نظر حقوقی و فنی الزام دارد این طرح؟ جایی تصویب شده است که الان ما درباره آن صحبت کنیم. بنا به اخبار و اسناد این طرح به شورای ترافیک رفته است و تصویب شده است. جا دارد تمام موارد مطروحه در شورای ترافیک استان، تمام موافقان و مخالفان چه گفتند و چه کردند و چه کسانی بوده اند منتشر گردد تا ما هم اطلاع حاصل کنیم با چه استدلالاتی به این نتیجه رسیده اند که باید چنین روگذری احداث گردد.

کبگانی: کار علمی باید تشنه آن باشی. باید بخواهید تا یک کار علمی صورت بگیرد؛ با یک عده که دلالی فکر می کنند که نمی شود شهرسازی کرد.

جمهیری: اگر ورودی میدان ۱۲ هزار خودرو بر ساعت است نیاز به پل داریم، اما مطالعات نشان داده میدان مطهری چیزی حدود ۲۸۰۰ خودرو در ساعت ورودی دارد. حتی در طرح جامع شهری این حجم تا سال ۱۴۰۰ دو هزار و نهصد خودرو دیده شده.

کبگانی: ممکن است یک چیز به نظر همه خوب بیاید، ولی نباید اجرا شود. اگر پول تقاطع غیر همسطح برج را به من داده بودند یک سیستم اتوبوسرانی عالی در بوشهر راه می انداختم. اگر ما حمل و نقل می خواهیم یک اصول برای آن وجود دارد و اراده ای برای آن باید به وجود بیاید. اول چیزی که باید شهرداری در نظر بگیرند یک دوره آموزشی برای نیروهای ترافیکی این سازمان است. می‌خواهند تقاطع غیرهمسطح بسازند و سی میلیارد خرج آن شود در حالی که می توانیم کار دیگر کنیم.

کبگانی: یک وقتی می گویند ما مشکل خیابان سنگی داریم. مشکل خیابان سنگی با هیچ چیز حل نمی شود. چون باید فعالیت ها را از بغل آن بردارند مثلاً پزشک هایی که به آنجا آمده اند را به یک جای دیگری برده شود. درکجا آمده است که در یک خیابانی مثل سنگی این حجم از خدمات را متمرکز کنند.

جمهیری: سالها پیش یک روز در حال رفتن به کلاس درس و دانشگاه بودم که یک نفر زنگ زد و گفت مشغول قطع کردن تمامی درختان در خیابان سنگی حدفاصل چهارراه دادگستری تا ستاد نماز جمعه هستند که درخت های بسیار زیبای کتان و پنبه که کاشته شده بود. ماجرای قطع کردن این درختان از آنجا در ذهن استاندار وقت نشسته بود که وی به یکی از کشورهای اروپایی سفر می کند و مشاهده می کند که در آنجا در خیابان درخت نیست. همان ایده را برداشته و به بوشهر آورده و اقدام به قطع کلیه درختان این خیابان می کند. حالا نکته اینجاست که در آن شهر در آن کشور اروپایی مردمش حاضرند پول بدهند تا نور خورشید را دریافت کنند؛ اما در استان ما و در شهر ما و در مملکت ما که حجم بالای تابش باعث گریز مردم از نور خورشید است و همه به دنبال سایه می گردند، یک تقلید محض از چیزی است که هیچ سنخیتی با موقعیت شهر ما نداشته و ندارد. همین الگو را امروز به صورت دیگری در خصوص مسئله روگذر و زیرگذر در شهر بوشهر شاهد هستیم. ایده هایی که متعلق به شهرهای دیگر با یک سری بافت های خاص و ویژه شان هست در کلان شهرها وجود دارد، برای شهر بوشهر با ۲۰۰ هزار نفر جمعیت آورده اند. ابتدا باید ثابت شود که ما به چنین چیزی نیاز داریم.



کبگانی: در شیراز دو بار معاونت حمل و نقل از من خواسته دوره آموزشی برای کارشناسان حمل و نقل آنها بگذارم. چرا شهرداری بوشهر برای کارشناسان خود این تقاضا را نمی کند؟ کلاس بگذارید و حاضر شوید تا از صنعت حمل و نقل برایشان بگویم. هیچ نوع حرکتی در مباحث ترافیکی را نباید جداگانه دید و جداگانه کارکرد. یک طرح جامعی باید باشد.

جمهیری: ما الان در نقد این پروژه چه می توانیم بگوییم؟ تا حرفی بزنیم می‌خواهند بگویند این نظر ۱۰ کارشناس است که پروژه را تأیید کرده اند. خب این استدلالات و مطالعات را منتشر کنید.

جمهیری: یکی از مهندسان معمار شهر تعریف می داد که در همین زمین ها اقدام به حفر یک چاه می کند و در عمق ۸ متری زمین شیشه پیدا می کند. این شیشه‌ای که پیدا شده شیشه ای قدیمی چند هزار ساله نیست. شیشه ای متعلق به همین سال های اخیر است که در اثر حرکت های درونی زمین به عمق ۸ متری رفته و این حرکت های زمین را نشان می‌دهد. در چنین شرایطی شما می خواهید یک پل بر فراز همین زمینها بسازید که هیچ اشرافی بر حرکت های درونی آن ندارید. پایه‌هایی که می زنیم برود زیر زمین و خاک و جریان آب زیرزمینی را چه کار می کند؛ کجا را به کجا وصل می کند؛ کی مطالعه کرده اینها را؟

جمهیری: آب سیالیت دارد. اینگونه نیست که شما بتوانید مسیرش را سد کنید و آب هم به حرف شما گوش بدهد و فکر کنید جلوی ورود و نفوذ آب را گرفته‌اید. آب از زیر زمین؛ مسیر خود را پیدا می کند. اینجا را ببندید جای دیگری است که نفوذ می کند. کافی است که درز کوچک و موئینگی داشته باشد همان هم سازه را خراب می کند و آن را می خورد.

جمهیری: من نمی گویم بسازند یا نسازند. من می گویم این پرسش های فنی را چگونه پاسخ داده‌اید؟

کبگانی: طرح جامع و طرح تفصیلی چیزی است که مصوب شورای عالی شهرسازی است. آن اصل است. برای پل و تقاطع غیر هم سطح ما حداقل بررسی میانگین معادل سواری روزانه و همچنین تعداد اتومبیل بر ساعت که باید مشخص شود به ما خیلی اطلاعات می دهد.

جمهیری: برای من به شخصه قابل توجیه نیست که طرح جامع شهری را نادیده بگیرند و خلاف آنچه که طرح جامع شهری گفته است چیز دیگری طراحی و اجرا شود.

جمهیری: مطالعات امکان سنجی باید به ما گفته باشد که ما در اینجا نیاز به یک پل روگذر داریم، آن موقع برویم به سراغ احداث چنین سازه ای. بحث ضرورت مقدم بر امکان است. طرح جامع شهری چنین سازه ای را تصویب نکرده است.

کبگانی: طرح جامع پیشنهاد داده است که رینگ شهری باید از آن منطقه عبور کند. باید بپرسید چرا چنین چیزی را تصویب کرده؛ دلیل آن‌ها چه بوده و آقایان هم باید پاسخ بدهند که چرا اجرا نمی کنند.

کبگانی: ما سه گزارش اصلی می‌خواهیم: گزارش شهرسازی که طرح‌های بالادستی را بررسی می کنند، گزارش ترافیکی و گزارش تأسیسات. شما می دانید تقاطع غیر هم سطح برج چه بلایی بر سر تأسیسات شهر بوشهر آورده است؟ لوله گاز و آب و فاضلاب به زیر برج رفته است. مسیر سیلاب که از سمت بهمنی سرریز می‌شود به سمت پل قدر یک رودخانه است؛ دقیقاً در مسیر تخلیه آب های سطحی مناطق جنوبی شهر به سمت دریا ما یک سد بتنی احداث کرده ایم بدون تعبیه مسیر خروجی این حجم از آب.

کبگانی: جالب است بدانید در خصوص احداث روگذر میدان برج، نه طرح جامع چنین چیزی را دیده و نه طرح های موضعی و موضوعی ما چنین چیزی را تأیید کرده است. القاعده طبق قانون این پل باید خراب شود و تمام هزینه آن را هم از مسئولان سابق بوشهر بگیرند. این یک اشکال قانونی داشت. همان اشکال قانونی را من امروز منطبق با احداث این پل می دانم.

کبگانی: روی روگذر برج شخصاً خودروها را شمردم. تعداد خودروهایی که از سمت بهمنی به روی پل می رود دو و نیم تا سه برابر خودروهایی است که از زیر پل عبور می کند. اگر مطالعات اولیه انجام شده بود من می گفتم این که حجمش زیادتر است باید پایین باشد چون سطح و فضای بیشتری می‌خواهد و راحت تر باید باشد و حجم کمتر باید بالا برود. این اصل شهرسازی درست به عکس اجرا شده است.

جمهیری: هر کس می گوید نظر و خواستهٔ مردم است، بگوید بر اساس چه افکارسنجی علمی و دقیقی به چنین خواسته ای در میان مردم پی بردند و از کدام مردم صحبت می کند. ما هیچ نظرسنجی و افکارسنجی دقیقی و قابل استنادی مشاهده نمی‌کنیم که بتواند اثبات کند که این خواسته، خواسته مردم است.

کبگانی: آنچه که ملاک است نظر من و شما در خصوص بسیاری از پروژه‌ها نیست. اول چیزی که بایستی ملاک قرار بگیرد انطباق خواسته‌های ما با اصول علمی است وگرنه ما نمی توانیم شهرهایمان را توسعه بدهیم.

جمهیری: آیا بر این پلی که ما داریم می سازیم اگر یک نفر ناشی از طراحی غلط ما در ۱۰ سال آینده کشته شد چه کسی مقصر است؟ اصلاً کسی به این چیزها فکر نمی کند.

حمید پورحیدر؛ عضو نظام مهندسی استان بوشهر:

چرا به مشاور طرح جامع شهر اعتماد نمی کنند؟

باید دید توجیه دارد یا نه و آیا در فاز صفر مشاوره و طرح تحقیقات، مشاور توانسته قانع کند که احداث چنین سازه ای توجیه اقتصادی دارد یا خیر. چند سال پیش، قبل از شروع عملیات اجرایی روگذر میدان برج، مشاور طرح، احداث این روگذر را در اولویت سوم قرار داده بود. مشاور وقتی طرح می دهد و شما پول داده تا راهنمایی شوید چرا به مشاوره مشاور اعتماد نمی کنند؟ همین تقاطع زشت و بی کیفیت اولویت سوم در آن تقاطع بوده با توجه به گذر محلات جنوبی به سمت نیروگاه و امام علی؛ اما به دلایل پشت پرده این سازه را ساختند تا برای خودشان اسم و رسمی برپا کنند.

هر چقدر به طرح تفصیلی شهر اعتماد شود ما جلوتر هستیم

در مورد دو پروژه روگذر میدان مطهری و کمربند خروجی شهر، ما باید طرح تفصیلی شهر را ملاک قرار دهیم. ما مشاور گرفتیم که برایمان توسعه شهر را با توجیه، اولویت بندی کند. هر چقدر این اولویت‌ها را بیشتر به سرانجام برسانیم جلوتر هستیم. طرح تفصیلی شهر هیچ ضرورتی برای روگذر در میدان مطهری ندیده است ولی آنچه روال شده این است که کاری را انجام می‌دهیم و بعد می بینیم که با طرح جامع شهری نمی خواند و عواقب بسیاری برای شهروندی در پی می آورد.

ثمرهٔ کار مشاور ده سال دیگر خود را نشان می دهد تا طرح جامع کلا در شهر ساخته شود. اگر هزینه کرده اید مشاوره گرفته اید چرا اعتماد نمی کنید؛ اگر اعتماد کرده اید، چرا عمل نمی کنید؟ چنان سازه‌ای باید اساساً در جایی تهیه و تدارک دیده شود که زمین زیاد است و محیط شهری به گونه ای است که حریم گسترده برای پل می توان در نظر گرفت؛ نه در جایی که زمین متری ۲۰ میلیون تومان شده است. برای کاستن از بار مالی طرح را چگونه جرح و تعدیل خواهند نمود و چه عواقبی برای شهر خواهد داشت؟

دکتر جهانگیر حیدری؛ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه خلیج فارس:

چرا از متخصصین شهرسازی بوشهر نظرخواهی نکردند؟

هر نوع تغییر در طرح تفصیلی شهر می بایست با نظرخواهی از مشاور خود طرح انجام شود که بیشتر از هر کس دیگری این طرح را می شناسد. شورای شهر اگر واقعاً می خواهد گام مؤثر و مثبتی برای توسعه شهر بوشهر بردارد باید یک هسته مشاوره از نیروهای دانشگاهی که هیچ وابستگی سیاسی و اقتصادی به هیچ بخشی ندارند و صرفاً نیروهای تخصصی هستند تشکیل دهد و در یک فرایند جمعی به تصمیم برسد. چرا نظرخواهی نمی‌کنند؟ ما تجربه تلخ میدان انقلاب (ششم بهمن) و میدان آزادی(برج) را داشتیم که این پول هدر دادن است. اگر در پروژهٔ میدان مرکز شهر هم زودتر از مهندسین شهرساز و متخصصین امور شهرسازی و معماری نظرخواهی کرده بودند جلوی خسارت گرفته می‌شد. اما نه آن زمان و نه این زمان هیچ نظرخواهی صورت نگرفته.

پل برج دیگری در انتظار بوشهر است

این پل در ورودی شهر، سیمای شهری را کور می کند. به نظر می‌رسد یک میدان برج دیگری در انتظار شهر بوشهر است. از سویی دیگر به نظر من احداث این پل حتی باعث نمی شود ترافیک روان‌تر شود. چون مبدل به یک نشانه و برسازنده یک تصور ذهنی می گردد و در واقع این گونه به جامعه القا می‌کند که برای عبور و مرور راحت تر و آسان تر به سوی من بیایید و این اسباب سرازیر شدن حجم بالاتری از خودرو به لحاظ روانی به سمت پل می‌شود و در نهایت احتمالاً نه تنها نمی‌تواند ترافیک را کاهش دهد، بلکه باعث افزایش هم شود.

این امر است واقعی که بحث سازه‌ای بسیار قدیمی شده. امروزه بحث مدیریتی بسیار مهم تر از سازه‌ای است. دوربرگردان ها و پل ها ترافیک را حل نمی کند و سپس مدیریت ترافیکی مثل زمانبندی، سرعت گیرهای مناسب، تقسیم ترافیک و موارد دیگر نسبت به مسائل سازه‌ای ارجح است. در مورد پل در نهایت نمی‌توانم نظر قاطع منفی و مثبت بدهم. چون ابهامات بسیاری دارد. اما امروزه استانداردهای شهرسازی می گوید ما نیاز به پیاده راه سازی داریم؛ که مسئولان ما به سمت آن نمی‌روند چون «به چشم نمی‌آید». این یک بیماری است. کشورهای پیشرفته هزینه ها را به سمت کاهش اتومبیل ها و افزایش پیاده راه ها، دوچرخه سوارها و وسایل حمل و نقل عمومی برده‌اند.

آگهی تغییرات

شرکت پدرام گناوه گروه پنج هزار و دویست و سی و پنج شرکت تعاونی به شماره ثبت ۱۲۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۴۳۹۲۱۶ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -خانم خاتون عبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۹۸۶۷۹۷۱ به سمت رئیس هیات مدیره و آقای محمدعبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۹۵۵۵۸۳۸ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و خانم افسانه عبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۰۱۱۴۲۵۱ به سمت منشی هیأت مدیره برای مدت باقی مانده انتخاب گردیدند - آقای مسیب اعمی به شماره ملی ۶۱۰۹۹۴۳۷۵۴ به سمت مدیرعامل برای مدت باقی مانده انتخاب گردید -کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضای خانم خاتون عبدالهی (رئیس هیات مدیره) به اتفاق مسیب اعمی (مدیرعامل) همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و نامه های عادی با امضای آقای مسیب اعمی (مدیرعامل) و مهر شرکت تعاونی معتبر می باشد. (۴۵۱۴۶۹)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

ماجراهای آقای ویلی (۲)

در پدری خیلی باید شیر باشی

محمدرضا دباش



این نوشته به تمام همبندان گرامی که با قلم زیبای خود به ما امید می دهند تقدیم می دارم. به ویژه جعفر آقای درائی که گفته شیرینش چنان اشک معلم مظلومش از چشم هایش خارج می کند و روی گونه های چروکش می نشیند و شکفته می شود و دست گلی به وجود می آورند که برای مزار فراموش شده آن معلم یادگاری بس جاوید است.

عزیزان یادم به گفته پدر می افتد که مرتب به من یادآوری می کرد: «بابا، ممرضا تا می توانی دفتر سیاه کن، مو کوتُم می فروشم و خرج درست می کنم» این گفته خیلی پدرانه است. در پدری خیلی باید شیر باشی.

حالا بنده اگر رخصتی باشد این قدر تمرین می کنم تا شاید تبسمی بر لبان شما بیاورم. دوستی بنده با آقای بیلی درس های خوبی برایم داشت. معمولا بعد از ظهرهای جمعه سری به او می زدم. یک روز وارد منزلش شدم، داشت چیزایی می نوشت. گفتم مزاحم شدم. جواب داد: «اصلا داشتم لیست مالیاتیم را تهیه می کردم کارم تمام شده، در خدمت شما هستم (helpyourself).» از او سوال کردم شما در ایران کار می کنید چرا مالیات می دهید؟ او در جواب گفت: ما هر جا کار کنیم موظف هستیم که به کشورمان مالیات بدهیم. سپس اضافه کرد که من سهام دار چند شرکت هستم. همسرش در حالی که لبخند میزد نگاهی به او کرد و گفت: مستر دباش. آنی (honey) اعتقاد دارد که باید همه ی مردم آمریکا پول هایشان را هر چقدر هم که کم باشد برای اقتصاد کشورشان سرمایه گذاری کنند. ما پول در بانک نمی گذاریم، این سودها که به ما می دهند به نفع مملکت نیست و فقط به اندازه ی نیازمان پول را در بانک نگه می داریم. پول های ما تعلق به فرزندانمان دارد و باید در مسیر صحیح و درست برای آن ها سرمایه گذاری شود. من در این موقع به فکر این افتادم که ما چکار می کنیم؟ آنها چکار می کنند؟ عده ای از ما ایرانیان به هر شکل ممکن سعی می کنیم هیچ گونه مالیاتی به خودمان ندهیم، تعدادی از حجاج برای زیارت به خانه خدا می روند و متأسفانه بازارهای مکه و مدینه و ریاض برای خریدن اجناس بنجول خارجی قُرُق می کنند. و بعضا لاستیک لودر می آورند. من نمی دانم این لاستیک ها با چه سفینه ای، سیاره ای یا طیاره ای به کشور من وارد می شود.

زمانی که کندی رئیس جمهور آمریکا شد، بنظر می رسید که در میان عده زیادی از ایرانیان محبوبیت دارد. موقعی که کندی در دالاس تگزاس توسط اسوالد مأمور سیا ترور شد، عده زیادی از مردم ایران برای او ناراحت شدند تا جایی که روزنامه ها و مجلات ایرانی مطالب زیادی درباره ی ترور او نوشتند. در یکی از این مجلات، از روی ترانه خانم مرضیه چند کلمه پشت سر هم ردیف کردند و عده ای از جوانان ما این کلمات را اینطور ادا می کردند: «خداوندا چه می شد، که کندی ترور نمی شد، او مرده نمی شد، او زنده می شد، ژاکلین بیوه نمی شد.» در سال ۱۳۵۰ یک قالیچه خیلی کوچک که عکس کندی روی آن نقش بسته بود در اصفهان خریدم و می خواستم برای برادرم بفرستم که این کار نکردم. سالها قالیچه در منزل بود. یک روز تصمیم گرفتم که این قالیچه را به ویلی هدیه دهم. آقای ویلی نگاهی به عکس کندی کرد و گفت: کندی رئیس جمهور محبوبی نبوده است. در جوابش گفتم: درباره ی او صحبت های خوبی می کنند و در ایران محبوبیتی دارد. آقای ویلی در جواب من گفت: کندی فقط بین جوانان آمریکایی محبوب است. او گفت که متأسفانه مردم دنیا به مسائل اساسی، احساساتی برخورد می کنند و خودشیفتگی باعث می شود که مسائل اصلی زندگی خودشان فراموش کنند و اضافه کرد که کندی مخالف بود که آمریکا، کوبا را بمباران کند در نتیجه دستگاه های سیاسی مملکت ما با او مخالفت می کردند و شاید این خود دلیل ترور او شده است. بنده خیلی تعجب کردم که ما برای بیگانگان هم بدون این که اطلاعی داشته باشیم، ابراز احساسات می کنیم. رئیس جمهور آمریکا باید یک قصاب باشد تا محبوبیت داشته باشد، همینطور هم به نظر می رسد. همین حالا که این نوشته را تقدیم حضورتان می کنم، خانم ترامپ در حال شیر دادن فیل های آفریقایست و همسرش دستور به خاک و خون کشیدن مردم بیگناه دنیاست. آقای ویلی چون خودش جنگ ویتنام دیده بود فاجعه مرگ بار جنگ را همیشه محکوم می کرد و می گفت: متأسفانه عده ای از سیاست مداران ما در آمریکا جنگ طلب و جنگ افروز هستند و این خود باعث از هم پاشیدگی تمام دنیا می شود. آقای ویلی حرف های جالبتری می زد ولی متأسفانه مسئولین آنها هم گوش شنوا نداشتند.

با درود به تو ای فرهیخته صلح طلب

نسیم جنوب
ورزشی
شماره ۸۸۹ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

ماجرای صعود شاهین به لیگ برتر

رضا سیاهوشی



قبل از هر چیزی جا دارد که یادی نماییم از عادل خان فردوسی پور که واقعا الان جایش خالی است و به یاد می آوریم روزی که شاهین از لیگ برتر سقوط نمود و در برنامه پربیننده اش گفت: این شاهین به پشتوانه همین هواداران دوباره لیگ برتری خواهد شد.

به درستی هم تیمی که پشتوانه مردمی دارد همیشه زنده است. بله، شاهین دوباره برگشت، زیبا، فوتبالی و تحسین برانگیز هم برگشت اما نمی توان از نام، اعتبار و شخصیت شاهین و هواداران پرشورش به سادگی گذشت.

وقتی به تیم هایی مثل سرخپوشان، آلومینیوم اراک، گل ریخان، بادران، مس کرمان و .... نگاهی می اندازیم که با آن همه هزینه و بازیکنان نامی و سالها حضور در لیگ یک نتوانستند به موفقیت برسند، بخوبی می توان به عظمت شاهین پی برد.

همین گل گهر سیرجان هم که با شاهین راهی لیگ برتر شد بعد از ۱۳ سال حضور مستمر و انجام هزینه های بسیار موفق شد جواز صعود کسب نماید.

اما در برگشت این شاهین، خیلی ها سهم و نقش اساسی داشتند و کمک کردند و یاری رساندند تا امروز هواداران برای صعود به لیگ برتر جشن بگیرند.

واقعا در ابتدا شهرداری، شورای شهر (چهارم) و بخصوص میگلی نژاد شهردار وقت نهایت تلاش و همکاری جهت تشکیل این تیم نمودند تا باز پرچم شاهین به اهتزاز درآید.

نفراتی مانند دمشقی و باستین هم در مدیریت باشگاه زحمات زیادی متحمل شدند و دلسوزانه کار کردند و بعد از آنها باید یادی کرد از مربیانی مانند کللی فرد (بومی و دلسوز)، احمدزاده (سالم و جوانگرا)، پاشازاده (مقتدر و مدبر) که جای تقدیر و خسته نباشید دارند.

اما همانطور که هیأت مدیره و دمشقی در سال قبل و لیگ دو با آوردن پاشازاده و صعود تیم به لیگ یک نقش اساسی و مهمی داشتند، در لیگ یک هم با گماردن باستین بعنوان مدیرعامل و انتخاب محمود فکری بعنوان سرمربی توسط وی و مهمتر از آن خرید بازیکنانی که در لیست فکری بودند هیچ کوتاهی صورت نگرفت تا همگان در پایان شاهد یک اتفاق خوب و مهم باشند.

محمود فکری با کادری خوب و فنی در انتخاب بازیکنان شایسته و لایق بسیار سعی کرد تیمی خوب و منسجم ببندد و واقعا ترکیب و نمایش تیمش، هم مورد قبول و تأیید کارشناسان قرار گرفت و هم سکوها را بعنوان بهترین حامی و پشتیبان همراه داشت.

شاهین تحت رهبری فکری تیمی بود کوبنده، جنگنده، پرتلاش و متعصب که در زمین واقعا فوتبال تماشاگرپسند ارائه می دادند زیرا تیمش در هر سه خطوط عالی بود و پیروزی های شاهین هم پرگل و راضی کننده بود.

هر چند متاسفانه فکری نماند تا کاری که خود بخوبی استارت آن را زده بود به شیرینی و خوشی به پایان برساند اما نمی توان از او یاد و تشکر نکرد.

بعد از رفتن باستین و فکری، شاهینی ها نگران تیم خود و آینده آن شدند اما خوشبختانه اعضای شورای شهر (پنجم)، شهردار (امیری) و هیات مدیره با هماهنگی لازم نسبت به انتخاب واعظی بعنوان مدیرعامل و عبدالله ویسی بعنوان سرمربی جدید، عنان کار را به دست آنان سپردند و تیم شاهین بدون باخت و مقتدرانه به سر منزل مقصود رسید تا ویسی نشان دهد که وقتی به او اعتماد کنند، می تواند کارش را بخوبی انجام دهد و به قولی که می دهد چگونه عمل می کند.

ضمن اینکه ویسی نیز بعد از این صعود و بخصوص در مصاحبه ای که با رادیو داشت از محمود فکری بخاطر بستن این تیم خوب بسیار تشکر کرد که این قدرشناسی ویسی هم در جای خود قابل ستایش می باشد.

بعد از موفقیت کادر مدیریتی و فنی، بازیکنان تکنیکی، تاکتیک پذیر، بسیار فنی، با اخلاق و زحمتکشی بودند که اگر اغراق نباشد در فوتبال معیوب، ناپاک و پر از عیب و ایراد ما واقعا سنگ تمام گذاشتند و چنان مردانه در مستطیل سبز تاختند، جنگیدند، کوشیدند، دویدند و کار کردند که واقعا نماد غیرت و تعصب بودند.

دروازه بانانی بی باک و جسوری مثل نعمتی و بیرانوند، مدافعانی باغیرت و مستحکمی مثل غلامعلی تبار، علی گودرزی، حسن نجفی، کمال نیکخوی، بهروز نوروزی و علی رییسی جوان و آینده دار و در خط میانی هنرنمایی و نمایش های میلاد شعبانلو، امیرحسین موسی زاده، محمد محبی، حسین مالکی، میلاد فیاض بخش و مدیریت و گلزنی کاپیتان میلاد صارمی و همچنین بازی فانتزی و هنر تکنیک و سالاری، بهمن سالاری در خط حمله قابل تمجید و شایسته و بایسته تقدیرند.

شاهین باز با شایستگی لیگ برتری شد تا دوباره نام و آوازه اش در ایران طنین انداز گردد و بسیاری از فوتبالی ها را خرسند نماید اما در این قسمت که ویژه سپاسگزاری بود لازم است از استانداری، اداره ورزش و جوانان و هیأت فوتبال در این همت عالی، فرهنگی و اجتماعی تقدیری گردد زیرا حمایت و همکاری آنان در کسب این موفقیت بسیار حیاتی بود.

همچنین به عوامل تیم از سرپرست، روابط عمومی باشگاه، عکاس هنرمند، کادر پزشکی و تدارکات زحمت کش آن هم خسته نباشید و تبریک گفت.

قطعا این صعود باعث می گردد تا فوتبالیست های جوان و آینده دار بیشتر تشویق و ترغیب به فعالیت شوند. امیدواریم از جوانان شایسته و بازیکنان بومی بیشتر استفاده گردد تا در کنار چند بازیکن اخلاق مدار باتجربه بتوان به پویایی فوتبال بوشهر کمک کرد و از تجربه بد گذشته، هم بخوبی درس گرفته شود و هم عبرت آموزی نمایند تا دیگر شاهد آن اتفاقات و حوادث تلخ نباشیم.

برای اینکه آن اتفاقات ناگوار دیگر تکرار نگردد باید بسیار دقت نمود تا با انتخاب یک هیأت مدیره قوی و منسجم و بعد از آن مدیرعاملی توانمند و تمام وقت فوتبالی بتوان به شاهین شخصیت لیگ برتری داد و روند مثبت و خوبی مشاهده کرد.

مدیرعاملی که در انتخاب سرمربی نهایت دقت نماید تا هم تیمی خوب روانه لیگ برتر نمایند و هم در انتخاب بازیکنان و بستن تیمی متشکل از بازیکنان جوان و شایسته بومی و چند بازیکن باتجربه اما بی حاشیه و کارساز موفق عمل نماید.

مربیانی همچون ویسی، مهاجری، گل محمدی، منصوریان، نکونام و تارتار در فوتبال ما خیلی بهتر از دیگران با ترکیبی از جوانان و باتجربه ها کار می کنند و موفق بوده اند و بقولی بدون حاشیه و با علم روز هستند.

امیدواریم با توجه به فرصت مناسبی که وجود دارد هرچه زودتر کادر مدیریتی و فنی تیم انتخاب شود و بتوانند با حفظ چند تا از بازیکنان فعلی و استفاده از دیگر بازیکنان جوان بومی مانند محمد مشایخ، متین کریم زاده، محمد پورشاکر، صادق غریبی و ... و باتجربه های جوان و بومی دیگر در لیگ برتر مثل محمد شریفی، سلمان بحرانی، دانیال ماهینی و... و امثال امین مشایخ از لیگ یک تیمی مقتدر تشکیل داد و پرچم شاهین و بوشهر بالا نگه داشت.



دیگر نباید از بزرگی و اعتبار شاهین خرج افراد بی هویت و فرصت طلب گردد و دخل و خرج آن بی حساب و کتاب باشد و هرج و مرجی صورت بگیرد.

تجربه آن سالها را به یاد آورید و بخاطر اسم و رسم خود سعی نکنید که گزندی به شاهین وارد گردد زیرا باید بدانید که اگر تیمی به نام شاهین چنین قدرتمندانه اعلام حضور مجدد در لیگ برتر می نماید فقط بخاطر عقبه آن و بزرگان (موسوی ها، توکلی ها، افشارها، زنگویی ها، ثابت ها، بوالخیری ها، گرانبها و...) و پیشکسوتانش می باشد که عزت و اعتبار به نام شاهین و باشگاه شاهین بخشیدند هر چند که هیچ کس و هیچ وقت منتی بر باشگاه شاهین نمی گذارد و همیشه و در همه جا همین پیشکسوتان با تواضع و فروتنی می گویند ما هر چه داریم از همین شاهین می باشد.

اما تصمیم گیرندگان و دست اندرکاران باید بدانند که دیگر جای خطا و اشتباه وجود ندارد و باید خیلی سنجیده و منطقی و به دور از احساسات این تیم را مدیریت، رهبری و هدایت نمایند.

در روز بازی با سرخپوشان افراد مختلف حضور داشتند که مرتب جلو دوربین ها قرار می گرفتند و به نوعی همه خود را در این صعود شریک و سهیم می دانستند که مراتب سپاس از برخی حضرات بعمل آوردیم.

حال می بایست از همین امروز برنامه ریزی منظم و مدون برای آینده و حضور آبرومندانه در دومین حضور لیگ برتر نمود و چاره اندیشی شود و به فکر راه حلی باشند تا مشکلات حمایتی و مالی در کوران مسابقات بوجود نیاید.

هر چند با توجه به تجربه قبلی می بایست جلوگیری نمایند از ریخت و پاش ها و مدیریت هزینه کنند و به کم خرجی روی آورند و از افراد سالم، دلسوز و واقعاً خدمتگزار دعوت به همکاری نمایند و دور کنند حضراتی که عشق قرار گرفتن جلو دوربین دارند و می خواهند به طریقی از نام، اعتبار و جایگاه شاهین در ورزش برای خود استفاده کنند!

می دانیم که بعلت تحریم ها وضعیت اقتصادی کشور چندان مناسب نیست اما با توجه به اینکه بسیاری از تیم های ورزشی حاضر در لیگ های ایران از بودجه دولتی استفاده می کنند و استان ما نیز بسیار غنی و قوی می باشد و از پتانسیل بالای مالی برخوردار می باشد و سهم بسزایی هم در چرخه اقتصادی کشور دارد، می طلبد که مسئولین در حمایت همین حداقل تیم های ورزشی از هیچ کوششی دریغ ننمایند.

چرا نباید بخشی از درآمدهای سرشار این استان خرج خودش گردد تا به حداقل دلخوشی مردم شریف این دیار که از بسیاری امکانات محروم هستند، توجه ایی شده باشد؟

چرا تیم پارس جنوبی باید با مشکلات مالی دست و پنجه نرم کند و هیچ فریادرسی هم نداشته باشد؟!

چرا تیم ایرانجوان به دلیل عدم حمایت لازم (هر چند که در ناکامی ایرانجوان مسائل مهم دیگری هم بود) باید هم خود سقوط نماید و هم به راحتی سهمیه استان در لیگ یک و بعد دو از بین برود؟!

چرا فقط و فقط در فوتبال بوشهر چنین است که هر تیمی سقوط می کند با انبوهی از بدهی می باشد و دیگر روند نزولی طی می کند و فقط شاید بطور معجزه آسایی و از راهی دیگر صعود نماید؟

آیا اینها همه برنمی گردد به عدم مدیریت صحیح، منطقی، با دانش علمی و فوتبالی؟!

مگر تیم صنعت نفت آبادان تا حالا چندین بار از لیگ برتر به لیگ یک نرفته است؟ چطور هست که در بوشهر بعد از سقوط تیمی هیچ راه برگشتی وجود ندارد و همه مشکلات لاینحل گرفتار آن تیم سقوط کننده می شود؟!

چرا در بوشهر وقتی که تیمی در بورس می باشد و شرایط خوبی دارد همه در کنار آن هستند و می خواهند وجود نازنین خود را نمایش دهند اما وقتی که ایجاد بحران می شود همه راه فرار پیش می گیرند و خود را هیچ کاره می دانند؟!

حضرات بزرگواری که مراتب تمجید از همه شما و سازمان هایتان بعمل آمد باز تکرار و تاکید می شود که از امروز به فکر همین تیم شاهین و بودجه آن باشید زیرا فردا، هم دیر است و هم در صورت بروز مشکلات همه مقصرید و نمی توانید خود را پنهان نمایید.

زین پس باید مدبرانه برای ثبات حضور و ماندن در لیگ برتر تلاش و مدیریت نمود تا مقوله رفت و برگشتی خاتمه یابد و تنها راه فرار از این گزینه توجه جدی به همه جوانب حاشیه ای، هزینه ای، دقت در انتخاب سرمربی و آوردن بازیکن خوب و کارساز برای شاهین می باشد.

بعد از سقوط شاهین از لیگ برتر در سال ۹۱، بازیکنان جوان و آینده دار به دلیل همسایگی با شهر شیراز و نزدیک بودن بُعد مسافت برای دیده شدن و و بروز استعدادهای خود خوشحال از حضور تیمی مثل فجر سپاسی شیراز در لیگ برتر بودند هر چند فجر هم سقوط کرد و الان متاسفانه استان فارس فاقد تیم لیگ برتری می باشد ولی حال خوشبختانه استان بوشهر دارای دو تیم لیگ برتری است که نشان و معرف این است که این منطقه سرشار از عشق، علاقه، تعصب، استعداد و شناخت به فوتبال می باشد، ضمن اینکه می تواند فرصتی باشد تا بازیکنان خوب و شایسته شیرازی را به راحتی جذب فوتبال بوشهر نمود.

توصیه می شود تا فرصت هست از افرادی دعوت به کار و همکاری شود که با دانش، کاربلد، باتجربه، دلسوز و عاشق به کار و خدمت باشند نه شیفته قدرت و طالب منافع شخصی.

در آخر لازم است توضیحی داده شود که مراتب تقدیری که بعمل آمده، فقط فوتبالی بوده و نگارنده هیچ وقت به فکر چسباندن خود به شخص، اشخاصی و یا جایگایی نبوده و نخواهد بود و تمام این دلنوشته ها از سر دلسوزی می باشد و معتقدم حال که موفقیتی حاصل گشته که همه را خوشحال و شادمان نماید و به جشن و پایکوبی بکشاند، قدرش را بدانیم.

به امید افق زیبا و بسیار روشن برای فوتبال استان بوشهر، کسب موفقیت ها و رسیدن به جایگاهی شایسته و با ثبات.

دیدار شهردار بندر بوشهر با معاون وزیر کشور در خصوص سرنوشت تیم لیگ برتری شاهین شهرداری بوشهر

به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، دکتر سیدنورالدین امیری شهردار بندر بوشهر در راستای ادامه حمایتها از تیم تازه راه یافته شاهین شهرداری بندر بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور (جام خلیج فارس) عازم تهران می باشد.

بنا بر این گزارش، سیدنورالدین امیری شهردار بندر بوشهر، طی تماس تلفنی با دکتر مهدی جمالی نژاد معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور در خصوص صعود و راهیابی تیم شاهین شهرداری بندر بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور صحبت کردند و با توجه به اینکه طبق قانون شهرداری ها مجاز به تیم داری بصورت حرفه ای در سطح مسابقات لیگ برتری نمی باشند، لذا جهت پیدا کردن راهکار قانونی در راستای ادامه تیم داری و حمایت از تیم باسابقه و پرطرفدار شاهین شهرداری بندر بوشهر، مقرر گردید دکتر امیری به همراه علی اکبر نگین تاجی مدیر حقوقی شهرداری، ضمن عزیمت به تهران، نشستی در دفتر دکتر مهدی جمالی نژاد معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور داشته باشند تا پس از رایزنی و تبادل نظر، راهکاری قانونی در راستای تیم داری در لیگ برتر و ادامه حمایتها از شاهین شهرداری بندر بوشهر داشته باشند.

امیری با اشاره به نگرانی هایی که میان هواداران تیم شاهین بوجود آمده است، گفت: حضور این تیم در لیگ برتر فرصتی برای شناساندن ظرفیتهای ورزشی و فرهنگی بوشهر و از سویی معرفی استعدادهای فوتبالی خواهد بود، از این رو پیگیر استفاده از همه ظرفیتهای موجود در استان برای استمرار این حمایت و تزریق روحیه نشاط به شهروندان هستیم.

دادستان بوشهر:

بازیکن استقلال به قتل غیرعمد محکوم شد

دادستان بوشهر گفت: دادگاه بوشهر، مهدی قائدی را به اتهام بی‌احتیاطی در رانندگی منجر به قتل غیرعمد محکوم به پرداخت دیه و ارائه خدمات کرده است.

علی حسن پور در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: بر اساس رأی دادگاه کیفری دو بوشهر، مهدی قائدی بازیکن تیم استقلال تهران به اتهام بی‌احتیاطی در رانندگی منجر به قتل غیرعمد مرحوم احمدرضا شاکر محکوم شده است.

وی با اشاره به اینکه قائدی محکوم به پرداخت در حق اولیای دم مرحوم شاکر محکوم شده است، افزود: این جوان همچنین محکوم به پرداخت دیه صدمات دیگر شاکیان این پرونده و پرداخت جزای نقدی بدل از یک سال حبس تعزیری است.

دادستان بوشهر از محکومیت مهدی قائدی به ارائه خدمات عمومی رایگان شامل ۲۰۰ ساعت ارائه آموزش به نوجوانان در مدارس فوتبال خبر داد.

وی افزود: حکم صادره برای مهدی قائدی غیر قطعی و قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

بهمن‌ماه سال ۹۶، بر اثر حادثه واژگونی یک دستگاه خودرو سواری در بلوار امام علی (ع) شهر بوشهر یک نفر جان باخته بود.

آگهی تغییرات

شرکت موج میگو گروه نهصد و پانزده شرکت تعاونی به شماره ثبت ۴۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۳۴۶۵۶ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ و نامه شماره ۲۶۳ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ اداره تعاون شهرستان گناوه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای مهدی ملک زاده به شماره ملی ۳۵۳۹۶۹۴۹۸۶ به سمت رئیس هیات مدیره و آقای مسیب اعمی به شماره ملی ۶۱۰۹۹۴۳۷۵۴ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و آقای کورش صدری به شماره ملی ۳۵۰۰۳۰۶۴۴۶ به سمت منشی هیات مدیره برای مدت باقی مانده انتخاب گردیدند – آقای مهدی ملک زاده به شماره ملی ۳۵۳۹۳۴۱۱۵۳ به سمت مدیرعامل برای مدت باقی مانده انتخاب گردید -کلیه قراردادها و اسناد رسمی و تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضای آقای کورش صدری (منشی هیات مدیره) با اتفاق مهدی ملک زاده (مدیرعامل) همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و نامه های عادی با امضای آقای مهدی ملک زاده (مدیرعامل) و مهر شرکت تعاونی معتبر می باشد. (۴۵۱۴۶۷)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

آگهی تغییرات

شرکت موج میگو گروه نهصد و پانزده شرکت تعاونی به شماره ثبت ۴۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۳۴۶۵۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ و نامه شماره ۲۶۳ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ اداره تعاون شهرستان گناوه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: – آقای احمد عبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۹۸۲۵۰۸۸ به عنوان بازرس اصلی و خانم ریحانه عبدالهی به شماره ملی ۳۵۳۰۰۶۳۸۰۰ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. (۴۵۱۴۶۶)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

آگهی تغییرات

شرکت تعاونی مرغداری همای دشتستان گروه دویست و شصت و هفت شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۲۴۷۷۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیأت مدیره بشرح ذیل می باشند: آقای غلامرضا سعادت بشماره ملی ۶۱۰۹۶۴۳۸۰۷ و خانم آزاده سعادت بشماره ملی ۳۵۲۱۲۸۱۴۵۰ و خانم اسماء سعادت بشماره ملی ۳۵۲۱۲۰۶۳۳۵ بسمت اعضای اصلی هیات مدیره خانم خیری حسن پور بشماره ملی ۶۱۰۹۸۶۳۲۱۱ و خانم سمنبر سعادت بشماره ملی ۶۱۰۹۶۴۴۸۷۰ بسمت اعضای علی البدل همگی بمدت باقیمانده انتخاب گردیدند. آقای یوسف سعادت بشماره ملی ۶۱۰۹۶۶۴۴۴۸ بسمت بازرس اصلی و خانم عصمت یزدان پرست بشماره ملی ۳۵۲۱۱۸۰۲۳۹ بسمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. (۴۵۱۴۷۲)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری دشتستان

آگهی تغییرات

شرکت پرورش میگوی همگام گروه پانصد و سی وپنج شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۲۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۲۱۷۳۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۵ و نامه شماره ۵۰۵۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان گناوه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: – آقای نادر صمصامی به شماره ملی ۳۵۱۰۱۰۵۵۶۷ و آقای ناصر صمصامی به شماره ملی ۶۱۰۰۰۳۷۹۲۰ و خانم معصومه صمصامی به شماره ملی ۶۱۰۹۶۰۸۴۶۷ به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره و آقای حمید محمدصالحی به شماره ملی ۳۵۳۹۳۲۸۲۴۶ و آقای حمزه هاشمی پور به شماره ملی ۶۱۰۹۸۸۹۵۰۴ به سمت اعضای علی البدل هیئت مدیره برای مدت سه سال انتخاب گردیدند -خانم ناهید صمصامی به شماره ملی ۶۱۰۰۰۱۳۶۹۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای حسین صمصامی به شماره ملی ۶۱۰۹۹۴۴۸۳۱ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. (۴۵۱۴۷۳)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

آگهی تغییرات

شرکت پرورش میگوی همگام گروه پانصد و سی وپنج شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۲۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۲۱۷۳۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰ سهم ۱۵۰۰۰۰۰ ریالی به مبلغ ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۲۰۰ سهم ۱۵۰۰۰۰۰ ریالی از محل آورده نقدی اعضاء طی گواهی شماره ۰۵/۱۳۹۶/۵۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ بانک صادرات بوشهر شعبه آبپخش پرداخت گردیده است افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. (۴۵۱۴۷۴)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گناوه

آگهی تغییرات

آگهی تغییر مرکز شرکت تولیدی خدماتی نخلستان طلایی (سهامی خاص) بشماره ثبت ۳۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۳۱۶۲۰ باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۶ مرکز اصلی شرکت از استان بوشهر واحد ثبتی کنگان به استان بوشهر واحد ثبتی جم به نشانی شهرستان جم – ریز – بلوار امام خمینی – کد پستی ۷۵۵۶۱۳۶۷۰۵ انتقال یافت و تحت شماره ۵۰۲ در این اداره به ثبت رسید. (۴۵۹۵۹۰)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری جم

آگهی تغییرات

شرکت تولیدی خدماتی نخلستان طلایی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۳۱۶۲۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت از شهرستان کنگان به شهرستان جم- ریز – بلوار امام خمینی کدپستی ۷۵۵۶۱۳۶۷۰۵ تغییر یافت در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح می گردد. (۴۵۹۵۹۲)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری کنگان

آگهی تأسیس

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود آفاق صنعت عمران سازساحل درتاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۰ به شماره ثبت ۱۲۵۳۷ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۲۰۵۰۹ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می گردد. موضوع فعالیت: کلیه امور خدماتی، تامین نیرو، فضای سبز، ایاب و ذهاب در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان بوشهر – شهرستان بوشهر – بخش مرکزی – شهر بوشهر- محله صلح آباد- میدان شهید مطهری- بلوار طالقانی- پلاک ۰- طبقه همکف- کدپستی ۷۵۱۷۶۱۳۵۳۷ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا آقای وحید روسی زاده به شماره ملی ۳۴۴۱۱۲۵۵۱۷ دارنده ۵۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم حکیمه عمرانی به شماره ملی ۳۵۲۰۶۲۶۶۶۷ دارنده ۵۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه اعضا هیئت مدیره آقای وحید روسی زاده به شماره ملی ۳۴۴۱۱۲۵۵۱۷ و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت نامحدود خانم حکیمه عمرانی به شماره ملی ۳۵۲۰۶۲۶۶۶۷ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء آقای وحید روسی زاده همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیرالانتشار نسیم جنوب جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. (۴۶۵۶۵۹)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر

آگهی حصر وراثت

آقای محمود جمالی فر دارای شماره شناسنامه ۳۵۱۰۰۰۴۰۳۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۸۰۱۴۰ ش۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین اشعار داشته که شادروان نادر پی نور به شماره شناسنامه ۴۱۲ در تاریخ ۹۸/۱/۳۱ در اقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت وی عبارت است: ۱- مدینه جمالی فرزند محمدحسن به شناسنامه شماره ۳۵۲۱۰۵۳۸۸۱ متولد ۱۳۳۹ (همسر متوفی) ۲- افسانه بی نوا فرزند نادر به شماره ملی ۳۵۲۰۶۵۷۶۲۷ متولد ۱۳۵۳(دختر متوفی) ۳- اصلی بی نوا فرزند نادر به شماره ملی ۳۵۲۰۶۵۸۶۶۶ متولد ۱۳۵۸ (دختر متوفی) ۴- فاطمه بی نوا فرزند نادر به شماره ملی ۳۵۵۹۹۰۴۵۳۶ متولد ۱۳۶۴(دختر متوفی) ۵- محمود جمالی فرزند نادر به شماره ملی ۳۵۱۰۰۰۴۰۳۵ متولد ۱۳۶۷ (پسر متوفی) ۶- احمد بی نوا فرزند نادر به شماره ملی ۳۵۱۰۱۸۱۹۲۱ متولد ۱۳۷۰ (پسر متوفی) و لاغیر اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م-ر (۱۸۲۰ م الف)
رییس شعبه دوم شورای حل اختلاف دادگستری برازجان

آگهی حصر وراثت

خانم زهرا فخری دارای شناسنامه شماره ۷۹۹۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۸۰۱۲۹ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه زنگنه به شناسنامه ۳۷ در تاریخ ۹۴/۸/۱۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- محمدمهدی فخری فرزند عباسعلی به شناسنامه شماره ۷۱۳ متولد ۱۳۵۴ (پسر متوفی) ۲- امینه فخری فرزند عباسعلی به شناسنامه شماره ۸۴۴ متولد ۱۳۴۶(دختر متوفی) ۳- الهام فخری فرزند عباسعلی به شناسنامه شماره ۳۱۵۵ متولد ۱۳۵۱ (دختر متوفی) ۴- زهرا فخری فرزند عباسعلی به شناسنامه شماره ۷۹۹۶ متولد ۱۳۵۵(دختر متوفی) و لاغیر اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (۱۸۶۶ م الف)
رییس شعبه اول دادگاه عمومی

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۸۸۹ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

مسافر فوتبال (۱۴)

شب نشینی های فوتبالی و غیر فوتبالی بوشهر

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر

آقا جواد گرانبها جلال را صدا کرد و گفت، ولشون کن، کوتاه بیو آقا جلال، حالا حالاها با اینا کار داری، جلال چرخی زد و رفت پیش آقا جواد، حسن زد زیر خنده و محبوبی هم از خنده حسن خنده اش گرفت و قاه قاه قاه و با اون ریتم خنده ریسه رفت و صدای خنده اش تو حموم پیچید و جالب این بود که اونا به حق شناس داشتن میخندیدن.....

که از ترس مث مرده ها شده بود، آقا جلال اون چند هفته ای که بازیهای جوانان بود به مادرش گفته بود که هر روز ظهر برای بچه ها خوراک بپزه، محبوبی که تازه از گناوه اومده بود و هنوز منزل و مأوایی نداشت و معمولا تو باشگاه سر می کرد تا جایی پیدا کنه، گاهی وقتا هم آقا جلال میبردش خونه خودشون و برای اینکه محبوبی تنها نباشه، از ظلم آباد غلامی نژاد را بر می داشت و در مسیرش از بنمانع حق شناس سوار می کرد می بردشون خونه خودش، که همونجا با هم خوراک بخورند و کار آقا جلال شده بود تر و خشک کردن همین جوانان.

من و احمد تورانی روده بر شده بودیم از خنده احمد هم مرتب می گفت محمود آقا شانس آوردیم جوانان بازی نمی کردیم! خلاصه سر و کله مون شستیم و خستگی تمرین از تنمون که در رفت رفتیم بیرون، از حسین حمزه بیان خواستم که منو برسونه دم میدون چینی اونجا خونه عامو علیباش خرمایی بود و اون شب دعوت بودم و قرار بود که مادرم هم بیاد اونجا و چند ساعتی دور هم باشیم. حسین گفت یالا بپر بالا!

راه افتادیم و از خیابان سنگی مستقیم تا دم میدون

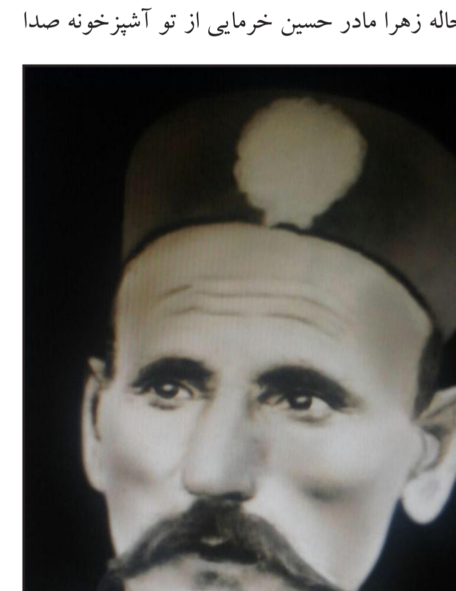


میرزا احمدخان نوایی ملقب به دریابیگی

چینی رفتیم؛ روبرو میدون چینی عمارت بزرگ کارمندان گمرک ساخته شده بود و عامو علیباش و خانوادش همونجا زندگی می کردن، دم در ورودی حیاط بزرگ و پر درخت عمارت پیاده شدم، حسین رفت و من قدم زنان رفتم تا ورودی ساختمان و در

زدم، مسعود (منتو) در را باز کرد و حال و احوالپرسی کرد و گفت بَه بَه آقا محمود خوش اومدی!

خاله زهرا مادر حسین خرمایی از تو آشپزخونه صدا



کل عبدارحیم (کل عبده رحیم) پدر حاجی مقدس که از تفنگداران گمرک دوره رضاشاه بوده است

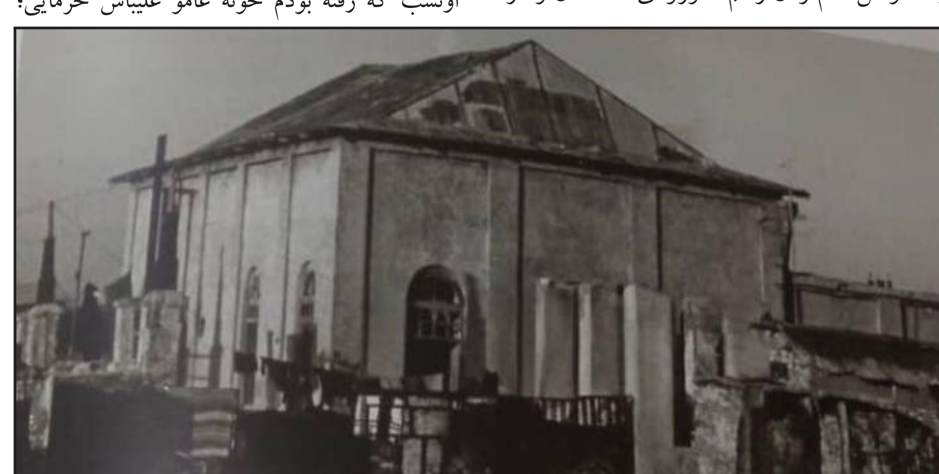
کرد، مسعود کین؟ منتو هم با خوشرویی جواب داد آقا محمودن، عامو علیباش اومد جلو تعارف کرد و رفتیم تو و یکی یکی حسین و حسن و محسن (ملو) و زیبا اومدن سلام و احوالپرسی کردیم همه شون خوشحال بودن که اونشب دورهم بودیم؛ خاله زهرا هم اومد و خوش آمد گفت و تعارف کرد و گفت آخی خَسِه شِن! خاله بیشین جون تا یه چوی بیارم



سیت، رفت و سینی نقره ای با ۶-۷ تا استکان کمر باریک چای که تو نعلبکیهای چینی سفید رنگ با گلهای قرمز در کنار قاشق ریزه و باریک نقره ای دور تا دور سینی نشسته بودند و وسط سینی هم یه قندون پر از قند خورد شده معروف کله مرودشت، اومد و تعارف کرد بفرما خاله، عامو علیباش از تو اتاق بغلی وارد شد و گفت زهرا سی محمود تو گیلاس (لیوان) بریز، ای کمر باریک کجاش می گیره! خاله زهرا گفت، پروای نی خو بعدیش سیش تو گیلاس میریزم! عامو علیباش رو کرد به منتو و زیبا و گفت پاشین (بلند بشید) و با هم برین در خونه حاجی کل عبدالرحیم و دی محمد وردارین بیارینش اینجا، بگو محمود اینجان و زودی بیو!

زیبا که تنها دختر خونه بود فوراً راه افتاد و گفت منتو بریم و هنوز تو محوطه حیاط بودند، که عامو علیباش صداشون کرد و گفت آقا دم خونه آقای چعبی بزن اگر بیدش بگو بووام گفته اِی بیکاری یه سری بهمون بزن. نشستیم و بچه ها خیلی زود رفتن سراغ بازی شاهین و سرگرم بحث شدیم؛ چندین دقیقه ای گذشت و ننم و زیبا و منتو اومدن، همه جیل اومدن، شلوغ کردن چپ و راست سلام و احوالپرسی پرخ (پرت) هم می کردند، بعد از چند لحظه ای نشستیم و هر کی از دری حرف می زد، ننم هم با خاله زهرا مشغول پچ پچک شدند، بقول امروزی‌ها (چیت چت) کردن، ما هم صحبتمون از فوتبال و شاهین و ایرانجوان به ابومسلم کشید، که صدای یا الله گفتن آقای چعبی از تو حیاط بگوش رسید، جلوش بلند شدیم و همه سلام و احوالپرسی کردیم، تا ننمو دید گفت به به دی محمد هم خُ اینجان، وارد اتاق شد.

اونشب که رفته بودم خونه عامو علیباش خرمایی؛



کارخانه برق و یخسازی که از بمبئی هندوستان سفارش داده شده بود و در کنار عمارت دریابیگی ساخته شد

نشسته بودیم و گرم بحث شاهین و رفتن به ابومسلم بودیم که آقای چعبی هم رسید، سلام و احوالپرسی کرد و وارد شد و تا مادرم دید با خوشحالی گفت به به دی ممد هم خو اینجان!

همه به احترام آقای چعبی بلند شدیم و دست دادیم؛ حال و احوال که تموم شد عامو علیباش، دست آقای چعبی گرفت و گفت بیو بیو اینجا، ئی بالا بشین، بعد بردش سر مجلس که دوتا بالشت خفتی بزرگ کنار هم به دیوار گذاشته بودن؛ هر دوشون کنار هم نشستن. مادرم و مادر حسین (خاله زهرا) پیش هم و کنار منقل نشسته بودن، زیبا دختر عامو علیباش هم همون سمت اطاق نشسته بود و داشت مهره های ریز و رنگارنگی که دور یک نیاب کهنه قلیون (همو نی قلیون) بدرد نخور بافته شده بود، یکی یکی در می آورد و می ریخت رو گل قالی؛ وقتی تعداد مهره ها زیاد می شد، با دقت یه نخ قرمز رنگ پلاستیکی از تو سوراخ ریز مهره ها رد می کرد و با اونها النگو و دستبند و سینه ریز دخترونه درست می کرد، مسعود (منتو) کوچکترین پسر فضول خونه هم نزدیک زیبا نشسته بود؛ یه زیر شلواری راه راه پوشیده بود که پایین پاچه های زیرشلواری که می شد مچ پا و انگشتان دراز و باریکش ببینی، پای راستش از زانو تا کرده و افقی رو فرش گذاشته بود و پای راستش به سینه چسبونده و حائل بدنش کرده بود.

آقای چعبی و عامو علیباش هنوز در حال گرم کردن بحث بودن و از هر دری نکته ای میگفتن؛ هنوز رو بحث و موضوع خاصی نیفتاده بودن، بحثشون از همسایه های میدون چینی اوطرفتر نرفته بود، از کاسبی و کلاهدوزی آقای چینی میگفتن که مدل کلاه رضا شاه میدوختن و مارک مغازه شون هم با یه بیت شعر رو یه مقوا سفید ذوذنقه ای که رو یه تیکه نایلون بیرنگ داخل سقف کلاه میدوختن تا هم مارک کلاه و هم اسم کلاهدوز و هم شعر تا همیشه رو کلاه بمونه، شعر معروف زیر لو گو با خط مشکی نوشته می شد و بیشتر به الفبای هندی شباهت داشت.

دولت حق شاملت تا که بگردد قوی. زنده بماند مدام

سلطنت پهلوی. عامو علیباش گفت ها مو هم یکیش دارم، کلاه خیلی خوبین و نقاب سفتی داره.

یهو ننم که همراه با خاله زهرا مشغول دودی کردن قلیوناشون بودن، نی قلیونش از زیر لبش درآورد و گفت ها نه! حاجی مقدسم یکیش داره بیشتری تو توسون (تابستان) سی محض گرما میله سرش، أوما باقی سال قویمش (قایم) میکنه تو صندوق که بچه ها



نمای آخرین روزهای حیات عمارت که امروزه با خاک یکسان شده است

نبرنش!

عامو علیباش یهو بحث چرخوند رو حاجی مقدس یا (حاجی کل عبده رحیم) که یکی از اولین ماشینداران بوشهر بوده و تصدیق رانندگی معتبر داشته و چون که زبان انگلیسی هم سرش میشده، قنسولگری انگلیس تو بوشهر از ماشین و راننده گیش استفاده می کردند و برای مدتی هم فرستادنش به بحرین تازه مستقل شده، که اونجا کار کنه، و کل عبده رحیم هم که بووای حاجی باشه، از تفنگداران گمرک رضا شاه بود که با اسب و تفنگ برنو از گمرک در برابر دزدان و یاغی ها حفاظت می کرد، و همه دزدها ازش حساب میبردن.

به اندازه کافی حرف زده بودند و به اصطلاح فوتبالیها خوب گرم کرده بودند و از گمرک رضا شاه رفتن سر جریان دریابیگی و عمارتش، عامو علیباش یه نگاهی انداخت به خاله زهرا و گفت یه چنتا چوی میریزی سیمون؟

خاله زهرا هم استکاناش به ردیف گذاشت دور تا دور سینی گرد نقره ایش و با یه دستش قوری سفید و گلدارش تا کمر باریک استکاناش چای می ریخت و با دست دیگش از کتری لعابی آبی آسمونی رنگش آبجوش می ریخت تو استکانا که چای غلیظ شمشیری از رنگ قیلیش در بیاد و قندون قند کله هم نهاد وسط سینی و صدا کرد منتو چوی بگیر جلو مهمونا، منتو هم با زیر شلواری تا قاب پاش سینی جلو همه گرفت و بفرما می زد، معلوم بود که بهش یاد داده بودند بگو بفرما و گرنه با اون شیطنتش، بفرما زدن بهش نمی اومد، همه از تو سینی یه استکان برداشتن و سینی خالی گوشه مجلس به انتظار برگشتن استکانا نشست، عامو علیباش و آقای چعبی هم بحث بردن طرف عمارت دریابیگی، که گویا کلمه ی دریابیگی لقب حکمران بندر بوده و اسم واقعیش میرزا احمد خان نوایی و از اهالی آذربایجان و مقیم تهرون بوده که مسئولیت حفظ و پاسداری از سواحل خلیج فارس و منطقه بوشهر تا عسلویه به عهده داشته، بخاطر همی به حاکمان بنادر و سواحل خلیج فارس لقب دریابیگی

می دادن و دریابیگی همون موقع دستور داده که این عمارت براش بسازن، که همو زمان ۱۳ هزار تومان خرج برداشته!

عمارت زیبایی بوده رو به دریا که دو سمت شمال و جنوب عمارت هم دو تا برج داشته که بالای برجها چراغی نصب شده بوده که با روشن و خاموش کردن این چراغها با کشتیهای جنگی و باری و تجاری که از سراسر دنیا به آبهای خلیج وارد می شدن به زبان مرس و مکالمات دریائی ارتباط برقرار می کردن.

طی همون سالها در کنار عمارت دریابیگی کارخانه یخسازی و برق اعتمادیه هم ساخته میشه تا مردم از روشنایی برق استفاده کنن و کارخونه یخ هم در گرمای زیاد تابستون بداد مردم گرمازده ی بندر برسه.

گویا مدتی هم این عمارت در اختیار کنسولگری روسیه تزاری بوده، تا اینکه با راه اندازی کارخونه برق، از آقای چعبی که از تجربه و دانش برق برخوردار بوده بعنوان مسئول کارخونه و رئیس اداره برق عمارت دعوت میکنن و چون لازم بوده که شبانه روزی همونجا حضور داشته باشه، همونجا و تو عمارت دریابیگی قسمتی برای سکونت او و خانواده اش در نظر می گیرن که بچه هاش بنامهای حسین، عبدالعلی، رضا و حسن خاطرات بسیاری از زندگی در

این ساختمان دارند، شنیدن این داستان از زبان آقای چعبی و عامو علیباش خرمایی برای من خیلی جالب و شنیدنی بود و من محو صحبتشون شده بودم؛ هر از گاهی هم نگاهی به اطراف و حاضرین تو اتاق میناداختم، حسین خرمایی به اصطلاح چارزانو نشسته بود و استکان چاییش پشت هم پر و خالی میشد؛ سرا پا گوش شده بود؛ با یه قاشق کوچیک چای خوری قند تو استکان هم می زد تا چائیش شیرین بشه؛ همراه با گردوندن قاشق و صدای دینگدینگی که درمیاورد، قلقل صدای قلیون خاله زهرا و ننم و دود قلیون که بیرون می دادن و شرح داستان دریابیگی، فضای دنج و دبشی در خاطرم نقش بسته بود که یهو زیبا با عصبانیت زد رو پای منتو و گفت بچه مِی آزار داری؟ و در یک لحظه همراه با چیش غرنقی عامو علیباش؛ نی قلیون خاله زهرا رو کمر منتو نقش بست! بچه نمی تونی دو دیقه آروم بیشینی؟ قضضا زده! نمی تونی بدون سُک و دُک بیشینی؟

حسین خرمایی از اون طرف اتاق که نشسته بود صداش کرد پا شو بیو اینجا بشین، و منتو رفت بغل حسین نشست! خلاصه حسابی یه ساعتی محو داستان دریابیگی بودم، عامو علیباش از خاله زهرا خواست که اگر میشه چنتا استکان چای دیگه سیمون بریزه، حسین خرمایی مجدداً سر صحبت ابومسلم و مسابقه شاهین با آبادان که قرار بود آخر هفته انجام بشه باز کرد و پرسید حالا تیم شاهین سی بازی با آبادان آمادَن؟

و یادم انداخت که چند روز دیگه باید از بوشهر برم و راهی ابومسلم و خراسون بشم، هر چه زمان رفتنم به ابومسلم نزدیکتر میشد؛ انگیزه هام بیشتر میشدن و البته دلهره هام هم بیشتر می شدن، پیش خودم فکر کردم که فردا حتما باید سر تمرین با آقای جواد گرانبها در این مورد صحبت کنم و در انتظار تمرین فردا از خونه عامو علیباش خداحافظی کردم و با مادرم پیاده و قدم زنان تا خونَش که تو میدون چینی بود رفتم و شاید آن شب آخرین باری بود که در آن محل و با مادرم چند قدمی راه رفته بودم، فکر کردم که فردا باید روزی نو در تمرین با شاهین داشته باشم.



مهندس چعبی پدر برق بوشهر و اولین کارخانه برق در بوشهر

امکان تیمداری شاهین شهرداری بوشهر در لیگ برتر وجود ندارد



به گزارش روابط عمومی باشگاه شاهین شهرداری بوشهر، پرویز عبدی پور سخنگوی هیات مدیره باشگاه از برگزاری جلسه هیات مدیره خبر داد و گفت: در پی موفقیت تیم شاهین شهرداری بوشهر و لزوم برنامه ریزی ها، طی این چند مدت جلساتی در جهت بررسی وضعیت حضور تیم با حضور شهردار، اعضای هیأت مدیره، اعضای شورای شهر و کارشناسان مربوطه برگزار و پیگیری هایی نیز در این خصوص صورت گرفته است.

عبدی پور افزود: در جلساتی متعدد که با حضور کارشناسان حقوقی و مالی برگزار شده در راستای رعایت الزامات قانونی و مقررات جاری کشور در خصوص نحوه تیمداری با توجه به بررسی های بعمل آمده متأسفانه به علت ممنوعیت هر گونه هزینه توسط نهادهای دولتی و عمومی و نهادهای وابسته در ورزش حرفه ای که به طریقی وابسته به قانون مدیریت خدمات کشوری هستند، امکان تیمداری شاهین شهرداری بوشهر در لیگ برتر وجود ندارد.

وی تصریح کرد: با توجه به صراحت قانون اینکه باشگاه شاهین شهرداری بوشهر بتواند با استفاده از منابع مالی شهرداری در لیگ حرفه ای (لیگ برتر) تیمداری کند امکان پذیر نمی باشد.

وی در پایان گفت: بهرحال در این خصوص همت مسئولان استانی اعم از امام جمعه محترم بوشهر، استاندار محترم و نمایندگان محترم استان در مجلس شورای اسلامی می طلبد تا از طریق راهکارهایی که وجود دارد اقدامات لازم را انجام داده تا امکان حضور این تیم پرطرفدار در لیگ برتر فراهم شود.

اعضا تیم شاهین شهردای بوشهر تجلیل شدند

در پی صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور، در آیینی که با حضور استاندار محترم، رئیس و اعضای محترم شورای اسلامی شهر، شهردار بندر بوشهر، مدیرعامل و اعضاء کادر فنی تیم شاهین، مدیرکل ورزش و جوانان استان و جمعی از پیشکسوتان فوتبال استان در استانداری برگزار شد، عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر ضمن تمجید شهردار و اعضاء شورای اسلامی شهر بوشهر بابت حمایت این تیم ریشه دار و محبوب و ایجاد روحیه شور و نشاط در بین آحاد مردم استان بویژه جوانان و ورزش دوستان، بر حمایت همه جانبه تمامی دستگاهها از تیم شاهین تأکید کرد.

آگهی تغییرات

شرکت پرورش میگوی همگام گروه پانصد و سی وپنج شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۲۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۲۱۷۳۷ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۵ و نامه شماره ۵۰۵۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان گناوه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای نادر صمصامی به کد ملی ۳۵۱۰۱۰۵۵۶۷ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای ناصر صمصامی به کد ملی ۶۱۰۰۰۳۷۹۲۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم معصومه صمصامی به کد ملی ۶۱۰۹۶۰۸۴۶۷ به سمت منشی هیئت مدیره تعیین گردیدند - نادر صمصامی به کد ملی ۳۵۱۰۱۰۵۵۶۷ به سمت مدیرعامل برای مدت سه سال انتخاب گردیدند -کلیه قراردادها و اسناد رسمی و اسناد تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته، برات و اوراق بهادار با امضای آقای نادر صمصامی مدیرعامل به اتفاق آقای ناصر صمصامی (نائب رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و نامه ها با امضاء آقای نادر صمصامی مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. (۴۵۱۴۷۰)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری گناوه

آگهی تغییرات

شرکت تعاونی مرغداری همای دشتستان گروه دویست و شصت و هفت شرکت تعاونی به شماره ثبت ۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۰۲۴۷۷۸ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیات مدیره بشرح ذیل می باشد: ۱- آقای غلامرضا سعادت بشماره ملی ۶۱۰۹۶۴۳۸۰۷ به سمت رئیس هیئت مدیره مدیرعامل ۲- خانم آزاده سعادت بشماره ۳۵۲۱۲۸۱۴۵۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و ۳- خانم اسماء سعادت بشماره ملی ۳۵۲۱۲۰۶۳۳۵ به سمت منشی هیئت مدیره به مدت باقیمانده انتخاب شدند. ۲- کلیه قراردادها و اسناد رسمی تعهدآور بانکی از قبیل چک، سفته و برات مشترکاً با امضاء آقای غلامرضا سعادت (مدیرعامل) و خانم آزاده سعادت (نایب رئیس هیئت مدیره) با مهر شرکت دارای اعتبار است و اسناد عادی و نامه ها با امضاء آقای غلامرضا سعادت (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر می باشد. (۴۵۱۴۷۱)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری دشتستان

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



www.
nasimjonoub
.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

توجه شهرداری به بافت تاریخی بوشهر

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر، دکتر سید نورالدین امیری شهردار بندر بوشهر از چگونگی روند آماده سازی و پیشرفت گذر کوتی و فدک بازدید نمود.
از جمله موارد پیش بینی شده در این پروژه اجرای بیش از هزار متر مربع کفپوش بتنی بوده و همچنین اجرای فضاسازی متناسب با بافت، زیباسازی محیط و نورپردازی می باشد.
از ویژگی های مهم این پروژه تلاش در احیاء بافت تاریخی بوشهر و کمک به سطح ارتقاء فیزیکی بافت و همچنین حس زندگی در آن می باشد.
در همین راستا سنگفرش محله دهدشتی در حال اجرا می باشد. از برنامه های آینده شهرداری بوشهر



جهت اجرا در بافت های تاریخی ایجاد خانه های فرهنگی و فرهنگسراهای متناسب با بافت می باشد.
قدمت بافت تاریخی بوشهر به حدود دو و نیم قرن برمی گردد و بطور کلی تا حدود سال ۱۳۳۵ بندر بوشهر منحصر به بافت قدیم و مهمترین و بیشترین کارکردهای شهری در آنجا متمرکز بوده است. ولی در پی تغییر و تحولات شهرسازی، بافت ارگانیک شهر دچار ضربه های شدید کالبدی و اقتصادی گردید. بافت تاریخی بوشهر دارای بناهای منحصر به فرد و زیبا و معماری خاص خود شامل عمارت های زیبا، بناهای کنسولگری کشورهای مختلف، مراکز مذهبی تاریخی مثل مساجد، حسینیه و کلیسا، بازار قدیم، خانه هایی با هلالهای رنگی و حوض و آب انبار و پشت بام های زیبا، مدرسه های تاریخی و کوچه پس کوچه های خاص خود که بوی زندگی می دهد می باشد.
یکی از برنامه های مهم شهرداری بندر بوشهر در حال حاضر توجه ویژه به بافت و کمک به احیاء آن و ارتقاء سطح زندگی در آن می باشد.

"مالِلِ بَنگال" ... "اِسکیلو"

رحیم قمیشی



* "عبدالمحمد شیخ ابولی" آزاده بوشهری و معلم بود. حالا بازنشسته شده. هنوز بوشهر است. و هنوز نگران احد شاگردش که خیلی نامهربانی ها دیده.

"عبد ممد" معلم جوان، قد کوتاه، شیرین و پر روحیه بوشهری در عملیات کربلای ۴ اسیر شده بود.
اسیر شدنِ خودش یک طرف، اسیر شدن یکی از شاگردان کَلاس اش "احد" ۱۴ ساله، با او، حکایتی بود در اردوگاه.
محافظتی که عبدممد از احد نوجوان داشت، و رابطه ای شبیه پدر و فرزند بین این دو، خنده های گاه و بیگاه و بلند هر دوی آن ها، که با جوک گفتن های معلم و شوخی هایش برای روحیه دادن به شاگردش داشت، از شیرینی های اردوگاه بود.
همه مفقود بودیم و بی خبر از دنیا، معلوم است که غروب های اردوگاه، بخصوص برای بچه ها چه دلگیر می شد و پر غصه!
نگهبان های عراقی اردوگاه شاید از ترس مافوق هایشان، شاید از بدذاتی خودشان، هر چه بود از انواع و اقسام فشارها بی خود و بی جهت به اسرای بی پناه وارد می کردند.
و اسارت چقدر سخت و طاقت فرسا می شد!
عدنان بین نگهبان ها واقعا وحشی بود و بارها برای خُرد کردن روحیه بچه ها تکرار می کرد "شما دیگر رنگ ایران را نخواهید دید".
کافی بود به یکی گیر بدهد، بدنش را با کابل سیاه می کرد، که چرا لبخند زدی، چرا با یکی صحبت کردی!
و نفرت و کینه می پراکند عدنانِ بی خدا!
اسمش اردوگاه بود "اردوگاه ۱۱ تکریت" و چند جا هم نوشته بودند "مرحبا به ضیوفنا" خوش آمدید میهمان ها
چه خوش آمدنی!
اگر عبد ممد نبود
آن روز نگهبان بی رحم عراقی تصمیم گرفته بود همه حیاط خاکی چند صد متری پر از سنگ و کلوخ و شیشه و آهن خُرده اردوگاه، پاکسازی و تمیز شود.
ابزار و امکانات؟ کف دست بچه های خسته و گرسنه اسیر...
همه را به خط کرد و در طول حیاط نشاند.
– تا نیم ساعت دیگر اگر یک ذره نخاله کف حیاط ببینم همه شما تنبیه می شوید!
ما می دانستیم رحمی هم در کار نخواهد بود، باید همه حیاط را به سرعت و دقت، و با کفِ دست تمیز می کردیم...
نشسته کنار هم، هر کسی باید دست می خراشاند و جلو می رفت. دست مان که خونی می شد نمی شد چیزی بگوییم! ما اسیر بودیم و کابلی بالای سرمان حرکت می کرد!
عبدممد خیلی آرام و زمزمه وار شروع کرد آواز پاروزن های لنج های بوشهری را خواندن!
می گفت سوار لنج های پارویی که می شده اند برای آنکه پاروها هماهنگ زده شود، همیشه ناخدا ترانه کوتاه محلی ای را دم می گرفته و پاروزن ها با هم جواب می دادند، و لنج با هماهنگی آن ها آرام و مستقیم به جلو می رفته.
عبدممد دَم گرفت؛ "مالِلِ بنگال"
ما هم آرام جواب دادیم؛ "اِسکیلو"
و دوباره و دوباره، و کم کم بلندتر
نمی دانستیم چه می گوییم اما اشک هایمان ناخواسته سرازیر بود. انگار لنج مان به حرکت درآمده. دارد می رود همان جایی که دوست داریم.
اصلا یادمان رفت در عراقیم و اسیر، یادمان رفت ماه هاست از خانواده بی خبریم
و آن ها از ما بی خبر...
کمی بعد صدا همه گیر شد و بچه ها همه دَم گرفتند.
عبدممد دیگر بلند شد و رو به بچه ها ایستاد، انگار ناخدا است و ما همه پاروزن هایش.
صورت گِردش، با آن چشم های براق و قدِ کوتاهش چقدر به هم می آمدند. خیلی دیدنی شده بود...
عبدممد دست هایش را بالا می برد؛
– مالِلِ بَنگال
پایین می آورد، همه جواب می دادیم "اِسکیلو" و خاشاک زمین خود به خود جمع می شدند.
احد اصلا یادش رفته بود اسیر است، نشسته رقص بندری می کرد و جارو می زد.
یعنی همه همین طور شده بودیم.
نگهبانِ خشمگین گیج شده بود، نمی دانست باید بزند یا نزند، بخندد یا گریه کند، برقصد یا او هم جواب بدهد!
آن روز کف حیاط خاکی اردوگاه برق افتاد، نه کسی خسته شد، نه کسی تحقیر شد، نه کسی دلخور شد، نه کسی تنهایی یادش ماند، نه گرسنگی، نه تشنگی، نه دوری، نه دلگیری!
چقدر دلمان تنگ می شود برای آن روزها.
چقدر جای عبدممد خالیست این روزها.
ناخدا بیا!
بخوان "مالِلِ بنگال"
همه با هم جواب می دهیم: "اِسکیلو"
ناخدا!
لنج ما کج شده، خیلی کج!
کجا می رود؟ نمی دانیم!
ببین هر کدام داریم یک جور پارو میزنیم...
بیا و دم بگیر، ببین چه منتظریم.
ناخدا، باز اسیر شدیم، باز زمین پر شده از خار و خاشاک، ببین دست هایمان
بیا و دوباره بخوان
تا فراموش کنیم این همه سختی را...
ناخدا!
تو با لبخند بخوان، ببین چه برقی میزند چشم های ما، تو محکم بگو، ببین چطور همه با هم، با همه وجود جواب می دهیم.
ببین چطور درِ باغ های سبز در همین حیات خاکی، باز می شود و چه سرعت می گیرد لنج ما...
ناخدا عبدممد!
این روزها خیلی جای تو آن جلو خالیست.
دل های ما دوباره هوای همان ترانه را کرده که اصلا نمی فهمیدیم معنی اش چه بود!
و تنها می دانستیم با همیم
تو بخوان
تا ما همه جواب دهیم
با دست های قفل شده در هم
"مالِلِ بَنگال" "اِسکیلو"

پیام بوشهر قهرمان مسابقات فوتبال پیشکسوتان



یک دوره مسابقه فوتبال در سطح پیشکسوتان یادواره شهدای دویره و مرحوم شاهپور صحرایی در رده سنی ۴۰ سال به بالا در استادیوم دویره برگزار گردید. در این دوره از مسابقات ۱۰ تیم منتخب چاهکوتاه، منتخب دویره، منتخب خورموج، پرواز و البرز و پیام بوشهر، پیام و عقاب چغادک، اتحاد برازجان و منتخب قباکلکی حضور داشتند. مسابقات به واسطه حضور بهترین بازیکنان پیشکسوت استان در سطح بسیار بالایی برگزار شد. حضور بازیکنانی از تیم های مطرح ایرانجوان و شاهین و منتخبین سایر شهرها، گرمابخش بازی‌ها و محفل پیشکسوتان فوتبال گردید. در پایان و در دیدار نهایی تیم های پیام بوشهر و اتحاد برازجان که با غلبه بر حریفان قدر خود به فینال مسابقات راه یافته بودند رودرروی هم قرار گرفتند که پس از تساوی ۲ بر ۲ در وقت قانونی تیم پیام بوشهر در ضربات پنالتی عملکردی بهتر از حریف داشت و با نتیجه ۴ بر ۲ به پیروزی رسیده و قهرمان مسابقات شد. مراسم اختتامیه و اهدا جوائز با حضور محمد نجفی رئیس هیئت فوتبال بوشهر و سایر مسئولین هیئت و همچنین تعدادی از خانواده های فوتبالیست ها برگزار گردید. همچنین عنوان آقای گل مسابقات به کامران گرامی نیا با ۷ گل زده تعلق گرفت.



یاد ایام

ایستاده از راست: شهید عباس صفوی، منصور مرشدی، علی صفوی، مرحوم شهرام مذکوری، باقر صفوی، مهدی منصوری، علی مجد.
نشسته از راست: جواد غدیری، شهید بازویی، احمد رفعت، عباس عبادی، شریفی خواه.
عکس مربوط به دوره دبیرستان سعادت دهه ۵۲ یا۵۳ می باشد.

اصحاب هنر نقشی مهم در توسعه فرهنگی دارند



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: اصحاب هنر و بویژه پیشکسوتان تئاتر نقشی مهم در توسعه فرهنگی دارند.
به گزارش ایرنا، فاطمه کرم پور در دیدار با 'ایرج صغیری' پیشکسوت تئاتر استان بوشهر افزود: هنرمندان استان همواره بدون هیچ چشم داشتی برای ارتقای فرهنگ و هنر استان تلاش کرده که این اقدام آنان ستودنی است.
وی بیان کرد: در این ارتباط دیدار با هنرمندان پیشکسوت به عنوان ابراز احترام به یک عمر تلاش و زحمت آنان باید در جامعه گسترش یابد.
کرم پور ادامه داد: در این ارتباط علاوه بر دیدار چهره به چهره با پیشکسوتان هنر بهره گیری از خاک خورده های این عرصه برای رشد و اعتلای فرهنگ و هنر استان بوشهر استفاده می شود.
صغیری در این دیدار با بیان خاطراتی از دوران جوانی در عرصه بازیگری و کارگردانی پرداخت ایرج صغیری (متولد اول آذر ۱۳۲۵ کوی شکری استان بوشهر) بازیگر، کارگردان، نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس بوشهری است که با بازی در نقش ابوذر در تئاتری که با همکاری داریوش ارجمند و نظارت علی شریعتی در دانشگاه فردوسی و حسینیه ارشاد تهران اجرا شد، توانست مهارت خود را به نمایش بگذارد و به محبوبیت دست یابد.
نمایشنامه «قلندرخانه» از آثار او به عنوان اثر شایسته تقدیر بیستمین دوره جایزه کتاب فصل شناخته شد.
محپلنگ، شب شولای عبدالرحمان، خالو نکیسا، بنات‌النعش، یوزپلنگ، خلخال شوم و کارگردانی فیلم سفر غریب از دیگر آثار این هنرمند مطرح و برجسته است.

قدیمی ترین تصویر تیم شاهین بوشهر (خلیج)



حمید شاه بندرزاده: پس از تاسیس تیم خلیج در سال ۱۳۲۹، اولین تصویری که از تیم شاهین تحت نام تیم خلیج در فروردین سال ۱۳۳۰ موجود است. این بازی در برابر تیم "ناو جنگی ببر" انجام شد که به نتیجه صفر– صفر رسید. بازی در زمین مرکز شهر، روبروی پارکینگ فعلی اتوبوسرانی صورت گرفت.
از راست به چپ ایستاده: مرحوم اکبر کبگانیان (محله کوتی)، مرحوم سید بزرگ موسوی (ریشهر)، مرحوم حاج احمد امیدی(خواجه ها)، مرحوم محمدحسن نخعی (مخ بلند)، مرحوم حمید جفره ای (جفره علیباش)، مرحوم حسین توکلی(مخ بلند)، مرحوم ابراهیم کشتکار (دواس)، مرحوم تیمور میگلی (فرودگاه)، عبدالمحمد پوربهی (خواجه ها)
نشسته از راست: گروهبان کاکاخان سلیمی (کرمانشاه)، مرحوم حسن جمهیری (مخ بلند)، مرحوم علی توکلی (مخ بلند – کاپیتان تیم) داور مسابقه مرحوم علی سیاوشی بوده اند.
توضیح اینکه در این روز مرحوم اکبر کبگانیان سرپرست تیم بوده است و ایشان تا سال ۱۳۳۴ در تیم خلیج بازی می کرده اند.
با سپاس از جناب آقای عبدالمحمد پوربهی بازیکن و مؤسس تیم شاهین بوشهر که عکس را در اختیار اینجانب قرار داده اند.

کشف بیش از ٤ میلیارد تومان طلای دزدی در بوشهر

فرمانده انتظامی استان گفت: با شناسایی و انهدام ۴ باند حرفه‌ای سارقان طلاجات منزل در استان بوشهر ۴ میلیارد و ۶۸۳ میلیون تومان طلای مسروقه کشف شده است.
به گزارش ایسنا و به نقل از پایگاه خبری پلیس، سردار خلیل واعظی گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت طلاجات منزل در شهرهای مختلف استان طرح عملیاتی برخورد با سارقان منزل در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی استان و شهرستان‌های تابعه قرار گرفت.
وی اضافه کرد: پس از انجام تحقیقات میدانی و اقدامات علمی و اطلاعاتی کاراگاهان پلیس، ۱۴ سارق غیربومی اعضای ۴ باند سرقت طلاجات منزل در عملیات‌های مختلف دستگیر شدند و همچنین در ارتباط با این پرونده سه دستگاه خودرو توقیف شد.
به گفته سردار واعظی، این افراد معمولاً در تعطیلات آخر هفته با استفاده از پلاک‌های سرقتی وارد شهرهای هدف شده و در محله‌های مرفه نشین پس از اطمینان از خالی بودن منزل اقدام به سرقت طلا، جواهرات و وجه نقد می کردند.
وی بیان کرد: سارقان تاکنون به ۳۹ فقره سرقت طلاجات به ارزش ۴ میلیارد و ۶۸۳ میلیون تومان در شهرهای مختلف استان اعتراف کرده اند.
سردار واعظی با بیان اینکه بهتر است شهروندان طلاجات و اموال با ارزش خود را در صندوق امانات بانک‌ها نگهداری کنند خاطرنشان کرد: هنگام ترک منزل فردی مورد اعتماد جهت مراقبت از منزل در نظر بگیرید و اموال با ارزش از جمله طلاجات را از دسترس سارقان دور نگهدارید.
وی همچنین تاکید کرد: اطلاع رسانی سریع و به موقع موارد مشکوک از جمله خودروهایی با سرنشین به سامانه ۱۱۰ پلیس کمک بزرگی در پیشگیری از وقوع این سرقت‌ها خواهد بود.